



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# مناسک حج

آیت اللہ العظمیٰ بروجردی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مناسک حج آیت الله سید حسین بروجردی

نویسنده:

آیت الله العظمی سید حسین طباطبایی بروجردی

ناشر چاپی:

مجهول ( بی جا ، بی نا )

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۱	مناسک حج آیت الله العظمی بروجردی
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	مقدمه (در بیان اعمال عمره تمتع و حج تمتع اجمالاً)
۱۴	باب اول در اعمال عمره است و در آن پنج فصل است.
۱۴	فصل اول؛ احرام عمره تمتع و در آن چهار مقصد است.
۱۴	مقصد اول؛ مستحبات قبل از حرام و در حال احرام و بعد از احرام
۱۷	مقصد دوم؛ مواقیت احرام
۱۷	اشاره
۱۸	(مسأله ۱)
۱۸	(مسأله ۲)
۱۸	(مسأله ۳)
۱۸	(مسأله ۴)
۱۸	(مسأله ۵)
۲۰	مقصد سوم؛ واجبات احرام و آنچه متعلق به آنهاست
۲۰	اشاره
۲۱	(مسأله ۱)
۲۱	مقصد چهارم؛ تروک احرام
۲۱	اشاره
۲۱	اول شکار صحرائی
۲۱	دوم جماع کردن با زن و ...
۲۱	اشاره
۲۲	(مسأله ۱)
۲۲	(مسأله ۲)

- ۲۳ ..... (مسأله ۳)
- ۲۳ ..... (مسأله ۴)
- ۲۳ ..... سوم عقد کردن زن
- ۲۳ ..... اشاره
- ۲۳ ..... (مسأله ۱)
- ۲۳ ..... چهارم استمناء
- ۲۳ ..... اشاره
- ۲۴ ..... (مسأله ۱)
- ۲۴ ..... پنجم استعمال طیب یعنی بوهای خوش
- ۲۴ ..... اشاره
- ۲۴ ..... (مسأله ۱)
- ۲۴ ..... ششم پوشیدن چیز دوخته
- ۲۴ ..... اشاره
- ۲۴ ..... (مسأله ۱)
- ۲۴ ..... هفتم سرمه کشیدن بسیاهی که در آن زینتی باشد
- ۲۵ ..... هشتم نگاه کردن در آینه
- ۲۵ ..... نهم پوشیدن موزه و چکمه و جوراب و ...
- ۲۵ ..... دهم فسوق است
- ۲۵ ..... یازدهم جدال است
- ۲۵ ..... اشاره
- ۲۵ ..... (مسأله ۱)
- ۲۵ ..... دوازدهم کشتن جانوران که در بدن ساکن می شوند
- ۲۶ ..... سیزدهم انگشتر بدست کردن به جهت زینت
- ۲۶ ..... چهاردهم از برای زن پوشیدن زیور است
- ۲۶ ..... پانزدهم روغن مالیدن است به بدن
- ۲۶ ..... شانزدهم ازاله ی مو است از بدن

۲۶ ..... اشاره

۲۶ ..... (مسأله ۱)

۲۶ ..... (مسأله ۲)

۲۷ ..... (مسأله ۳)

۲۷ ..... هفدهم پوشانیدن مرد است سر خود را

۲۷ ..... اشاره

۲۷ ..... (مسأله ۱)

۲۷ ..... هیجدهم پوشانیدن زن است روی خود را به نقاب و ...

۲۷ ..... اشاره

۲۷ ..... (مسأله ۱)

۲۷ ..... نوزدهم سایه قرار دادن مرد است بالای سر

۲۸ ..... اشاره

۲۸ ..... (مسأله ۱)

۲۸ ..... بیستم بیرون آوردن خونست از بدن

۲۸ ..... بیست و یکم ناخن گرفتن

۲۸ ..... بیست دوّم کندن دندان

۲۸ ..... بیست و سیم و کندن درخت و گیاهی که در حرم روئیده

۲۸ ..... اشاره

۲۹ ..... (مسأله ۱)

۲۹ ..... (مسأله ۲)

۲۹ ..... بیست و چهارم سلاح برداشتن

۲۹ ..... فصل دوّم؛ طواف عمره تمتع و در آن سه مقصد است.

۲۹ ..... مقصد اول در مستحبات دخول مکه و مسجد الحرام است تا زمان اراده طواف

۳۳ ..... مقصد دوم؛ واجبات طواف و بعضی از احکام آن

۳۳ ..... اشاره

۳۳ ..... (مسأله ۱)

۳۳ ..... (مسأله ۲)

۴۲ ..... مقصد سوم؛ مستحبات حال طواف

۴۲ ..... اشاره

۴۵ ..... (مسأله ۱)

۴۵ ..... (مسأله ۲)

۴۶ ..... فصل سوم؛ نماز طواف

۴۷ ..... فصل چهارم؛ سعی و در آن سه مقصد است.

۴۷ ..... مقصد اول؛ آداب سعی و مستحبات قبل از آن

۴۹ ..... مقصد دوم؛ وجوب و واجبات سعی و بعضی از احکام آن

۴۹ ..... اشاره

۴۹ ..... (مسأله ۱)

۴۹ ..... (مسأله ۲)

۴۹ ..... (مسأله ۳)

۵۰ ..... (مسأله ۴)

۵۰ ..... (مسأله ۵)

۵۰ ..... (مسأله ۶)

۵۰ ..... (مسأله ۷)

۵۰ ..... (مسأله ۸)

۵۰ ..... (مسأله ۹)

۵۰ ..... (مسأله ۱۰)

۵۱ ..... (مسأله ۱۱)

۵۱ ..... مقصد سوم؛ مستحبات حال سعی

۵۱ ..... اشاره

۵۲ ..... (مسأله ۱)

۵۲ ..... (مسأله ۲)

۵۲ ..... (مسأله ۳)



۵۲	..... (مسأله ۴)
۵۳	..... فصل پنجم؛ تقصیر
۵۳	..... باب دوم؛ افعال حج تمتع و در آن هفت فصل است.
۵۳	..... فصل اول؛ احرام حج تمتع و در آن دو مقصد است.
۵۳	..... مقصد اول؛ وجوب احرام و بعضی احکام متعلقه به آن.
۵۳	..... اشاره
۵۳	..... (مسأله ۱)
۵۳	..... مقصد دوم؛ مستحبات احرام حج تا وقت وقوف در عرفات
۵۵	..... فصل دوم؛ وقوف در عرفات و در آن دو مقصد است
۵۵	..... مقصد اول؛ واجبات وقوف در عرفات.
۵۵	..... اشاره
۵۶	..... (مسأله ۱)
۵۸	..... مقصد دوم؛ مستحبات وقوف در عرفات
۶۳	..... فصل سوم؛ وقوف در مشعر الحرام و در آن دو مقصد است.
۶۳	..... مقصد اول؛ واجبات وقوف در مشعر الحرام
۶۶	..... مقصد دوم؛ مستحبات وقوف در مشعر الحرام
۶۸	..... فصل چهارم؛ واجبات منی
۷۵	..... فصل پنجم؛ واجبات و مستحبات بعد از منی و در آن دو مقصد است.
۷۵	..... مقصد اول؛ در آنچه واجب است بعد از اداء مناسک منی
۷۷	..... مقصد دوم؛ مستحبات طواف زیارت و سعی و طواف نساء
۷۸	..... فصل ششم؛ بیتوته در منی در شبهای تشریق
۷۹	..... فصل هفتم؛ رمی جمرات ثلث و در آن دو مقصد است.
۷۹	..... مقصد اول؛ واجبات رمی جمرات ثلث در ایام تشریق
۸۰	..... مقصد دوم؛ اعمال مستحبّه در منی
۸۴	..... آداب زیارت مدینه منوره
۹۰	..... استفتانات (سوال و جواب)

۹۶----- پی نوشت

۱۰۴----- درباره مرکز

سرشناسه: بروجردی، سیدحسین، ۱۲۵۳ - ۱۳۴۰.

عنوان و نام پدیدآور: ادعیه مسافرت و مناسک حج / مطابق با فتوای حسین بروجردی طباطبائی.

مشخصات نشر: [بی جا: بی نا، ۱۳۷۵ق.=۱۳۳۳]. (تهران: حیدری (چاپخانه)).

مشخصات ظاهری: ۱۲ ص.؛ ۱۲ × ۵/۱۶ س م.

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری.

موضوع: حج

موضوع: دعاها

رده بندی کنگره: BP۱۸۸/۸ ب/۴ الف ۴ ۱۳۳۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۷۴۹۳۲

## مقدمه (در بیان اعمال عمره تمتع و حج تمتع اجمالاً)

الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على خاتم النبيين محمد و اله الطاهرين م لعنه الله على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين امّا بعد مخفی نماند آنکه این مجموعه ایست مشتمل بر واجبات و اکثر مستحبات حج که مطابق است با فتاوی حضرت مستطاب آیت الله فی الارضین رئیس الملّه و الدین حجّه الاسلام و المسلمین و اکمل المتأخرین آقای حاج آقا حسین الطباطبائی البروجردی متّع الله المسلمین بطول بقائه و غالباً طریق احتیاط در او مراعات شد تا نفع او عام و ذخیره یوم القیام بوده باشد و ما توفیقی الا بالله.

بدان که حجه الاسلام که در تمام عمر یکبار واجب می شود بر هر مکلف که جامع شرایط بوده باشد بر سه نوع است حج تمتع و حج قرآن و حج افراد و چون نوع واجب بر اغلب فارسی زبانان که غرض اصلی از تحریر این رساله هستند حج تمتع است لهذا اکتفا می شود به بیان همین نوع پس بدان که حج تمتع مرکب است از دو عبادت یکی را عمره تمتع می گویند و دیگری را حج تمتع پس حج تمتع اطلاق بر مجموع دو عبادت می شود و بر یک جز و از این مرکب نیز اطلاق می شود و جزء اول یعنی عمره حج تمتع مقدم است

بر جزء ثانی که حج باشد چنانچه اگر کسی را ممکن نشود که آن را پیش از حج به جا آورد به جهت عذر، حج او حج افراد می شود چنان چه خواهد آمد و بدان که قسم اول از اقسام ثلثه که حج تمتع است صورت آن اجمالاً که مکلف قبل از شروع در آن باید اجزاء آن را اجمالاً بداند چنانچه اجزاء نماز را قبل از شروع باید بداند آن است که اولاً احرام می بندد از برای عمره تمتع به تفصیلی که خواهد آمد بعد از آنکه داخل مکه شد طواف عمره می کند یعنی هفت بار می گردد به دور خانه کعبه که هر دوره را شوط گویند و بعد از آن دو رکعت نماز طواف می کند در مقام ابراهیم (ع) و بعد از آن سعی می کند یعنی راه می رود میان صفا و مروه که دو مکانند هفت بار و رفتن از صفا به مروه یکبار است و مراجعت از مروه به صفا بار دیگر محسوب است بعد از آن تقصیر می کند یعنی اندکی از مو یا ناخن خود می گیرد چون از این فارغ شود هر چه بر او به سبب احرام حرام شده بود حلال می شود و به این جهت آن را عمره تمتع می گویند و حج او را حج تمتع می نامند که شخص مکلف بعد از به جا آوردن عمره می تواند تمتع شود یعنی منتفع و متلذذ شود به چیزهایی که بعد از احرام بر او حرام شده بودند و چون نزدیک روز نهم شود باز ثانیاً احرام می بندد از برای حج تمتع از مکه به تفصیلی که خواهد آمد و می رود به

سوی عرفات که نام موضع است در چهار فرسخی مکه و از ظهر روز نهم تا مغرب در آنجا می ماند و شب از آنجا کوچ می کند و به مشعر الحرام می آید که تقریباً در دو فرسخی مکه است و در آنجا می ماند از طلوع فجر روز عید قربان تا طلوع آفتاب و از آنجا می آید به سوی منی که نام موضع است قریب به مکه و در آنجا سه عمل به جا می آورد:

اول رمی جمره یعنی انداختن سنگ ریزه بر جمره عقبه

دوم ذبح یا نحر هدی

سوم تراشیدن سر یا گرفتن از مو یا ناخن

و بعد از آن به مکه مراجعت می کند و طواف زیارت می کند به دستور سابق بعد از آن نماز طواف می کند بعد از آن سعی ما بین صفا و مروه می نماید به قسمی که گذشت و بعد از آن طواف نساء می کند چه زن باشد و چه مرد و چه طفل و بعد از آن دو رکعت نماز طواف می کند و بعد از آن مراجعت می کند به منی از برای ماندن در آنجا شب یازدهم و شب دوازدهم و بلکه شب سیزدهم نیز در بعضی صورتی که خواهد (۱) آمد و در روز یازدهم و دوازدهم نیز رمی جمرات می کند بلکه روز سیزدهم نیز رمی جمرات می کند اگر بیتوته نمود و بعد از این اعمال در منی فارغ می شود از تمام اعمال حجه الاسلام که در ذمه او بود و اگر شخص مکلف به حج جاهل به این افعال باشد در ابتدای احرام لکن قصد کند که حج واجب بر ذمه را به جا بیاورد بهر نحوی که بعد از اشتغال خود به

عمل بر او مشخص خواهد شد مثل اکثر عوام که قصد می کنند اتیان عمل را بر طبق رساله که در دست است یا بر طبق قول یا عمل مجتهدینی که به همراه او هستند ظاهراً عمل او صحیح خواهد بود چنانچه از بعض روایات مستفاد می شود و اما صورت حج تمتع تفصیلاً، پس اول افعال آن عمره است چنانکه دانستی و چون واجبات عمره پنج بود واجبات حج پانزده بود پس مجموع بیست واجب در دو باب و دوازده فصل بیان می شود انشاء الله تعالی.

## **باب اول در اعمال عمره است و در آن پنج فصل است.**

### **فصل اول؛ احرام عمره تمتع و در آن چهار مقصد است.**

#### **مقصد اول؛ مستحبات قبل از حرام و در حال احرام و بعد از احرام**

مقصد اول در مستحبات قبل از حرام و در حال احرام و بعد از آنست و مکروهات احرام بدان که مستحب است در وقت اراده به احرام مهیا شدن از برای احرام به تنظیف بدن و گرفتن ناخن و شارب و ازاله موی زیر بغل و موی عانه به نوره و غسل احرام و اگر بعد از غسل بپوشد یا بخورد چیزی را که از برای محرم جایز (۲) نیست مستحب است اعاده غسل و جایز است مقدم داشتن غسل بر میقات هر گاه برسد که آب در میقات نیابد و اگر مقدم داشت و بعد از آن آب در میقات یافت مستحب است اعاده آن و اگر اول روز غسل کند از برای شب کافی (۳) است و هم چنین عکس و اگر حدث اصغر واقع شود اعاده (۴) آن نماید و چون غسل کند این دعا را بخواند

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَ طَهْرًا وَ حِرْزًا وَ اَمْنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقْمٍ اللَّهُمَّ طَهِّرْ لِي قَلْبِي وَ اشرح

لی صدری و اجر علی لسانی محبتک و مدحتک و الثناء علیک فانه لا قوه لی الا بک و قد علمت ان قوام دینی التسلیم لک و الاتباع لسنه نبیک صلواتک علیه و اله و چون جامه ی احرام بیوشد یکی را لنگ کند و دیگری را ردا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الرَّزْقِي مَيَا أُوَارِي بِهِ عِيُورَتِي وَ أُوَدِّي فِيهِ فَرَضِي وَ أَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي وَ أَنْتَهِي فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ قَصْدُهُ فَبَلَّغْنِي وَ أَرْدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَ قَبَلَنِي وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي وَ وَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلِّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَ كَهْفِي وَ حِرْزِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي وَ رَجَائِي وَ مَنْجَايَ وَ ذُخْرِي وَ عُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي».

و مستحب است که احرام را عقب فریضه ظهر واقع سازد و اگر نباشد فریضه دیگر و اگر نباشد عقب نماز قضائی واقع سازد و اگر نماز قضا نداشته باشد عقب شش رکعت نماز و اقل آن دو رکعت است در رکعت اول بعد از حمد توحید و در ثانی سوره جحد بخواند و چون از نماز فارغ شود و بخواهد نیت احرام کند حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و این دعا را بخواند

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنِ اسْتَجَابَ لَكَ وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبِيدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ، لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ وَ لَا آخِذُ إِلَّا مَا أُعْطَيْتَ وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَيْجَ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْرِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّهِ نَبِيِّكَ صَلَّى لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تَقْوِيَنِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ وَ تُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي فِي يُسْرِ مَنِّكَ وَ عَافِيَةٍ وَ اجْعَلْنِي

مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضَيْتَ وَارْتَضَيْتَ وَسَمَّيْتَ وَكَتَبْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَأَنْفَقْتُ مَالِي ائْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَاجَتِي وَعُمْرَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي، فَخَلْنِي حَيْثُ حَبَسَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَرْتَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَاجَهُ فَعُمْرَةٌ، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِي وَعَصَبِي مِنَ النِّسَاءِ وَالثِّيَابِ وَالطَّيِّبِ، أَتُبْغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ».

و چون نیت احرام کند سنت است که تلفظ به آن کند و مقارن نیت بگوید

«لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

«لَبَّيْكَ (۵) ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيهِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تُوْبِدِيٍّ وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَعِينِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْغُوبًا وَمَرْهُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمَ لَبَّيْكَ»

و مستحب است (۶) که این فقرات را نیز بخواند

«لَبَّيْكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ (۷) بِحَاجَةٍ وَعُمْرَةٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ وَهَذِهِ عُمْرَةٌ مُتَّعَةٍ إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيهِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَلْبِيَّهُ تَمَامُهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ».

و سنت است بلند گفتن تلبیه اگر مرد باشد و مکرر گفتن و وقت بیدار شدن از خواب و عقب هر نماز واجب و سنت و



وقتی که بر شتر سوار شود و شتر بر خیزد و وقتی که به سواره برسد و وقتی که بر تلی بالا- رود یا به سراشیبی پائین آید و در سحرها بسیار بگوید هر چند جنب یا حیض باشد و تلبیه را قطع نمی کند در عمره تمتع تا آنکه خانه های مکه را به بیند و در حج تمتع تا پیشین روز عرفه و بدان که مکروهست احرام در جامه ی سیاه بلکه بعضی مطلق رنگ را گفته اند لکن ظاهر بعضی اخبار معتبره عدم کراهت رخت سبز است و مکروه است که بخوابد در رختخواب سیاه و بر بالش سیاه و در رخت چرک و اگر در احرام چرک شده بهتر آنست که نشوید تا محل شود و احوط ترک استعمال حناست به قصد زینت بلکه مطلقاً و اولی ترک استعمال آنست قبل از احرام هر گاه اثر آن باقی بماند تا حال احرام و مکروه است دخول حمام و سائیدن بدن و لیبک گفتن در جواب کسی که او را آواز کند و شستن بدن به آب سرد و مبالغه در مسواک کردن و سائیدن رو و مصارعه یعنی کشتی گرفتن و احوط ترک استعمال ریاحین است بلکه قوی (۸) است و بعضی الحاق فرموده اند شستن سر بسدر و خطمی.

## مقصد دوم؛ مواقیت احرام

### اشاره

بدان که محلّ احرام بستن که آن را میقات می نامند مختلف می شود به اختلاف طرقی که مکلف از آنها عبور می کند و به مکه می رود پس کسی که راه او از مدینه منوره باشد میقات او مسجد شجره است و آن را ذوالحلیفه می گویند و جایز است از برای او در وقت ضرورت تأخیر احرام تا

میقات اهل شام و کسی که از راه عراق و نجد برود میقات او وادی عقیق است اوائل آن را مسلخ می گویند و اواسط آن را غمره و اواخر آن را ذات عرق گویند که احرامگاه عامه است و افضل احرام است از مسلخ اگر به طور یقین معلوم شود و الا تأخیر احوط است تا یقین کند که در وادی عقیق رسیده و احوط آنست که تأخیر نکند تا به ذات عرق بلکه بعضی از علماء ما جایز نمی دانند تأخیر را و اگر تقیّه اقتضا کند تأخیر را تا به ذات عرق پیش از رسیدن به آنجا نیت احرام کند و تلبیه را به اخفات گوید و رخت خود را در نیاورد و اگر ممکن شود در بیاورد در مخفی و جامه ی احرام را می پوشد و باز آن را در می آورد و رخت خود را می پوشد و به جهت آن فدیّه می دهد چنانکه خواهد آمد و جامه ی احرام نپوشد تا بذات عرق رسد آن وقت جامه ی احرام را بپوشد و اظهار کند که الحال محرم می شوم و کسی که راه او از طایف باشد میقات او قرن المنازل است و کسی که از راه یمن برود میقات یلملم است که اسم کوهیست و کسی که از راه شام برود میقات او جحفه است به تقدیم جیم برحاء مهمله و بدان که

### (مسأله ۱)

احوط و اقوی لزوم تحصیل علم است به این اماکن و اگر علم ممکن نباشد بعید نیست اکتفا به ظنّ حاصل از پرسیدن از اهل معرفت به این اماکن

### (مسأله ۲)

و کسی که منزل او نزدیکتر از این مواقیت به مکه باشد میقات او منزل او است

### (مسأله ۳)

و کسی که از راهی عبور کند که به هیچیک از مواقیت خمسّه مذکوره عبور نکند احوط در حقّ او آنکه احرام بندد محاذی میقاتی که اقرب به سوی او بوده باشد هر چند که دورتر از دیگری باشد به مکه و بعد از آن تجدید احرام کند در موضعی که محاذی میقاتی باشد که نزدیکتر است به مکه از آن میقات سابق (۹)

### (مسأله ۴)

و اگر علم به مجازات ممکن نباشد ظاهراً کفایت مظنه (۱۰) است و بعضی گفته اند احرامی بندد از موضعی که قبل از آن احتمال محاذات ندهد و احوط از برای این شخص مرور بر یکی از مواقیت است و احرام از آنجا و تا بتواند ترک این احتیاط نکند

### (مسأله ۵)

و بدان که کسی که عذری از برای او از احرام بستن در میقات خود به سبب فراموشی یا عذر دیگر روی دهد پس از زوال عذر اگر ممکن باشد برگشتن به میقات بر می گردد و الا احرام از همان جای خود می بندد هر چند در این صورت احوط آن

است که هر قدر می تواند برگردد و از آنجا احرام ببندد خصوصاً حیضی که به جهت جهل به مسأله احرام را ترک کرده باشد از میقات که مورد نصّ صحیح است و از شهید قدّس سرّه و بعضی فتوی به آن نقل شده و مطابق قواعد نیز می باشد مگر آنکه (۱۱) بعد از دخول حرم زوال عذر شود پس واجب است که از حرم بیرون رود با تمکّن و الاّ- از جای خود احرام می بندد و اگر فراموش کند احرام را و به خاطرش نیاید مگر بعد از اتمام جمیع واجبات پس جمعی آن عمره را باطل می دانند و بعضی آن را صحیح می دانند و این قول بعید (۱۲) نیست و احوط اوّل است و اگر کسی عمداً ترک کند احرام را و ممکن نشود او را تدارک آن از میقات پس اقوی فساد عمره او است اگر چه احوط احرام است از هر مکانی که ممکن باشد مثل ناسی و اتیان به عمره

است و قضای آن بعد از آن و اما جاهل پس اقوی صحت (۱۳) عمره آن است و بدان که شرط احرام طهارت از حدث اصغر و اکبر نیست پس جایز است احرام از جنب و حیض و نفسا بلکه غسل احرام از برای حیض و نفسا مستحب است.

### مقصد سوّم؛ واجبات احرام و آنچه متعلق به آنهاست

#### اشاره

اما واجبات در احرام پس سه چیز است.

اول نیت است به آنکه قصد کند احرام بستن را از برای عمره تمتّع حجه الاسلام به جهت اطاعت فرموده خداوند عالم و معنی احرام بستن چنانچه بعضی ذکر کرده اند به خود قرار دادن ترک اموری چند است که خواهد آمد بجهت توجه به مکه به جهت ادای افعال معهوده.

دویم گفتن چهار تلبیه است و صورت آن بنا بر احوط بلکه اصح اینست

لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ.

و واجبست تصحیح این فقرات چنانچه تصحیح تکبیرها للاحرام و قرائت حمد و سوره و غیر آن در نماز واجب است و احوط و اولی کسر همزه آن و فتح کاف الملک است و اگر تکرار لَكَ بعد الملک نماید (۱۴) بد نیست و بدان که واجب است تعلّم آن اگر ندانسته باشد آن را یا کسی او را تلقین کند و اگر ممکن نشود جمع کند میانه تلفّظ به آن به هر نحو که ممکن شود و ترجمه آن و نایب گرفتن در گفتن آن.

سیم واجب است قبل از نیت و تلبیه پوشیدن دو جامه ی احرام که یکی از آنها ستر کند ما بین ناف و زانو را که آن را ازار گویند و دیگری که آن را رداء گویند آن

قدر باشد که ساتر منکبین بوده باشد و بدان که ظاهر مشهور آنست که پوشیدن این دو جامه و کندن رخت دوخته خود شرط احرام نیست اگر چه واجب است و ظاهر بعضی اشتراط کندن رخت دوخته است پس احوط آنست که قبل از نیت و تلبیه رخت احرام بپوشد

### (مسأله ۱)

و شرط است در این دو جامه که نماز در آنها صحیح باشد پس کفایت نمی کند حریر و غیر مأکول اللحم و متنجس به نجاستی که معفو نباشد و هم چنین کفایت نمی کند ازاری که بشره از آن نمایان باشد و احوط در رداء نیز ملاحظه این شرط است و احوط تطهیر این دو جامه است یا تبدیل آنها اگر نجس شوند در احوال احرام بلکه احوط مبادرت بازاله نجاست است از بدن نیز و بعضی از علماء منع نموده اند از حریر خالص در جامه ی احرام زن و خالی از قوه نیست با آنکه احوط است بلکه بعضی تصریح فرموده اند که احوط آنست که زن در جمیع احوال احرام حریر خالص نپوشد و احوط آنست که از چنین پوست نباشد بنا بر آنکه در عرف عرب ثوب بر آن صدق نمی کند و هم چنین منسوج بوده باشد (بافته) نه مثل نمد مالیده باشند.

### مقصد چهارم؛ تروک احرام

#### اشاره

چون دانستی که حقیقت احرام توطین نفس است بر ترک اموری که خواهد آمد پس ناچار است از معرفت آن امور بلکه احوط مراجعت آنهاست پیش از نیت احرام تا قصد کفّ از آنها نماید بلی التفتات به آنها تفصیلاً در وقت نیت احرام لازم نیست و آن چند امر است:

#### اول شکار صحرائی

اول شکار صحرائی که وحشی باشد مگر در صورت خوف اذیت از آن و حرام است نیز خوردن آن و نگاه داشتن آن هر چند که مالک او بوده باشد قبل از احرام و به همراه خود آورده باشد و اعانت کسی که او را شکار کند به هر نوع از اعانت و اما شکار دریائی پس باکی به آن نیست و مراد به آن حیوانی است که تخم و جوجه هر دو در دریا کند و همچنین حیوان اهلی مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر اهلی و هر شکار که حرام است جوجه و تخم آن نیز حرام است و اگر محرّمی صیدی را ذبح کند مشهور آن است که میته خواهد بود درباره ی محرّم و محلّ و ملخ در حکم شکار صحرائی است.

#### دوم جماع کردن با زن و ...

#### اشاره

دوم جماع کردن با زن و بوسیدن و بازی کردن و نگاه کردن به شهوت بلکه مطلق التذاذ و استمتاع به زن

### (مسأله ۱)

و بدان که اگر کسی در احرام جماع کند با زن یا مرد چه در قبل و چه در دُبر نه از روی نسیان یا نادانی پس اگر در عُمره است اگر پیش از سعی واقع شد عُمره او فاسد است و بر او یک شتر کفاره لازم است و عمره را تمام می کند و او را اعاده می کند و اگر عمره تمتع (۱۵) باشد پیش از حج او را به جا می آورد و اگر وقت تنگ باشد حج او افراد می شود پس بعد از حج عمره مفرده به جا می آورد و احوط اعاده حج است در سال آینده و هر گاه بعد از سعی باشد همان کفاره تنها بر او لازم است و آن یک شتر است اگر مؤسر باشد و یک گاو است اگر متوسط باشد و یک گوسفند است اگر مُعسر (۱۶) باشد و اگر در احرام حج این عمل شود اگر پیش از وقوف عرفات و مشعر بوده حج او نیز فاسد است اجماعاً و واجبست آن را تمام کند و قضای آن در سال دیگر نماید و هم چنین اگر بعد از وقوع عرفات و قبل از مشعر بوده علی الاشهر و اگر بعد از وقوفین باشد حج او صحیح است و همان کفاره لازم است اگر پنج شوط از طواف نساء ننموده و الا کفاره نیست علی الاظهر الاشهر اگر چه احوط کفاره ست

### (مسأله ۲)

و در کفاره بوسیدن زن خلاف است بعضی گفته اند که اگر از روی شهوت است یک شتر است و اگر از روی شهوت نیست یک گوسفند است اگر چه بعضی مطلقاً یک شتر می دانند

و این احوط بلکه خالی از قوه نیست

### (مسأله ۳)

و اگر نگاه کند عمداً به غیر اهل خود و انزال او شود احوط آنکه اگر می تواند یک شتر و الا یک گاو و الا یک گوسفند

### (مسأله ۴)

و اگر نگاه به اهل خود کند و انزالش شود مشهور یک شتر است (۱۷) و اگر کسی دست بازی کند به شهوت بی انزال پس بعضی گفته اند که یک گوسفند بر او لازم است و با انزال او را شتری لازم است.

### سوم عقد کردن زن

#### اشاره

سوم عقد کردن زن از برای خود یا غیر که محرم باشد یا مُحَل و هم چنین شاهد شدن بر عقد و اقامه شهادت (۱۸) هر چند متحمیل آن شده باشد در غیر حال احرام و احوط ترک خطبه است یعنی خواستگاری زن و اما رجوع بمطلقه رجعیه پس بی عیب است و همچنین خریدن کنیز هر چند که به جهت استمتاع باشد بلی اگر مقصود استمتاع در حال احرام بوده احوط ترک آنست بلکه بعضی جزم به حرمت کرده اند چنانچه احوط ترک تحلیل کنیز است و قبول تحلیل آن

### (مسأله ۱)

و بدان که کسی که عقد کند زنی را در حال احرام برای محرمی و محرم دخول کرد پس بر هر یک از ایشان یک شتر کفاره است و اگر دخول نکنند بر هیچ یک کفاره نیست و هم چنین کفاره لازم است بر عاقد از برای محرم با دخول هر چند عاقد محلّ باشد بلکه بر زن که مُحَل باشد هر گاه بداند که شوهر مُحرم است.

### چهارم استمناء

#### اشاره

چهارم استمناء است یعنی طلب نزول منی به دست یا غیر آن هر چند به خیال بوده باشد یا به ملاحظه با زن خود یا کسی دیگر

### (مسأله ۱)

و بدان که انزال منی به استمناء بعضی او را مفسد حج دانسته اند مثل جماع کردن و بعضی همان کفاره تنها را واجب دانسته اند که یک شتر بوده باشد.

### پنجم استعمال طیب یعنی بوهای خوش

#### اشاره

پنجم استعمال طیب یعنی بوهای خوش مثل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر، به بوئیدن یا مالیدن بر بدن یا خوردن یا پوشیدن چیزی که در آن بوی خوش بوده باشد و هر گاه اثر او باقیست و اگر محتاج به خوردن یا پوشیدن شود دماغ خو را بگیرد و احوط بلکه خالی از قوه نیست و جوب

### (مسأله ۱)

و بدان که کفاره طیب، کشتن یک گوسفند (۱۹) است و بدان که احوط بلکه اقوی حرمت گرفتن دماغ است از بوی بد بلی فرار کردن از آن به تند رفتن ضرر ندارد.

### ششم پوشیدن چیز دوخته

#### اشاره

ششم پوشیدن چیز دوخته است و چیزی که شبیه بدوخته باشد مثل رختهایی که از نمد می مالند به هیئت بالاپوش و کلیجه و کلاه و غیر آن و احوط اجتناب از مطلق دوخته است هر چند قلیل باشد حتی همیانی که پول را در آن می کنند و در کمر می بندند اگر چه اقوی در همیان جواز بستن اس

### (مسأله ۱)

و بدان که حرمت پوشیدن دوخته مختص مرد است بنا بر مشهور پس جایز است از برای زن پوشیدن آن مگر قفازین که قبل از این چیزی بود که زن های عرب می دوختند از برای حفظ دستها از سرما و در آن پنبه می کردند که احوط بلکه اقوی اجتناب از آنست.

### هفتم سر مه کشیدن بسپاهی که در آن زینتی باشد



هفتم سرمه کشیدن بسیاهی که در آن زینتی باشد هر (۲۰) چند قصد زینتی نکند و احوط اجتناب از مطلق سرمه است به قصد زینت خصوصاً اگر بوی خوش داشته باشد.

### هشتم نگاه کردن در آینه

هشتم نگاه کردن در آینه و بعضی تصریح فرموده اند که احوط ترك منظره است یعنی عینک مگر به جهت ضرورت وهم چنین نگاه کردن در آب صافی و اقوی جواز هر دو است.

### نهم پوشیدن موزه و چکمه و جوراب و ...

نهم پوشیدن موزه و چکمه و جوراب و هر چه تمام پشت پا را بگیرد و بعضی تصریح کرده اند که ستر بعض مثل ستر کُلّ است مگر موضع بند نعلین و دلیلش ظاهر نیست الاّ آنکه احوط است و هر گاه محتاج شود پوشیدن خفّین به جهت نبودن نعلین احوط شکافتن روی آنها است.

### دهم فسوق است

دهم فسوق است و مراد از آن دروغ گفتن است و بعضی الحاق باب نموده اند و بعضی مفاخرت را الحاق کرده اند و بعضی مفاخرت را راجع بیاب کرده اند چرا که مفاخرت اظهار فضائل است از برای خود و سلب آنها از غیر یا اثبات ردایلیست از برای غیر و سلب آنها از خود و شبهه در تحریم همه مذکورات نیست.

### یازدهم جدال است

#### اشاره

یازدهم جدال است و آن گفتن لا-والله یا بلی والله است و احوط الحاق مطلق یمین است و در مقام ضرورت به جهت اثبات حق یا نفی باطل جایز است

#### (مسأله ۱)

و بدان که اگر جدال صادق باشد پس در کمتر از سه مرتبه چیزی در او نیست به جز استغفار و در سه مرتبه یک گوسفند است و امّا دروغ (۲۱) پس مشهور آنست که در یک مرتبه یک گوسفند و در دو مرتبه یک گاو و در سه مرتبه یک شتر است.

### دوازدهم کشتن جانوران که در بدن ساکن می شوند

دوازدهم کشتن جانوران که در بدن ساکن می شوند از بدن یا رخت مثل شپش یا کیک و کنه که در شتر می باشد و هم چنین انداختن شپش و کیک بلکه از موضعی به موضع دیگر نقل کردن که موضع اول حفظ باشد از برای آن (۲۲).

### **سیزدهم انگشتر بدست کردن به جهت زینت**

سیزدهم انگشتر بدست کردن به جهت زینت و باکی نیست به جهت استحباب آن و بعضی تصریح فرموده اند به حرمت استعمال حنّا بقصد زینت در حال احرام بلکه قبل از آن هر گاه اثر آن بماند تا زمان احرام و بعضی احتیاط کرده اند از استعمال آن هر چند نه به قصد زینت باشد.

### **چهاردهم از برای زن پوشیدن زیور است**

چهاردهم از برای زن پوشیدن زیور است بجهت زینت مگر آنچه را که عادت پوشیدن آن داشته پیش از احرام پس باکی نیست به گذاشتن آن و در نیاوردن آن به جهت احرام الا آنکه آن را اظهار نکند قصداً از برای زوج و غیر او از مردان.

### **پانزدهم روغن مالیدن است به بدن**

پانزدهم روغن مالیدن است به بدن هر چند در او بوی خوش نباشد علی الاحوط بل علی الاقوی مگر به جهت ضرورت و هم چنین است روغن مالیدن قبل از احرام اگر در او بوی خوش باشد و اثرش بماند.

### **شانزدهم ازاله ی مو است از بدن**

#### **اشاره**

شانزدهم ازاله ی مو است از بدن خود یا غیر خود محل باشد غیر یا مُحرم هر چند یک مو باشد مگر به جهت ضرورت مثل کثرت شپش و دردسر و موی چشم که اذیت کند و باکی نیست به آنچه بی قصد کننده می شود در وقت وضو بلکه غسل

#### **(مسأله ۱)**

و فدیة سر تراشیدن هر چند به جهت ضرورت باشد یک گوسفند است یا سه روز روزه یا صدقه ده مدّ بر ده مسکین و بعضی گفته اند دوازده مدّ بر شش مسکین و احتیاط اختیار (۲۳) گوسفند است

#### **(مسأله ۲)**

و هم چنین هر گاه زیر هر دو بغل خود را ازاله مو کند بلکه زیر یک بغل را علی الاحوط بل الاقوی

### (مسأله ۳)

و هر گاه دست بکشد بسر یا بر ریش خود و یک مو (۲۴) یا دو بیفتد یک کف از طعام صدقه کند (۲۵).

### هفدهم پوشانیدن مرد است سر خود را

#### اشاره

هفدهم پوشانیدن مرد است سر خود را حتی به گل و حنا و حمل چیزی بر سر علی الاحوط و احوط و اولی ترک پوشانیدن است به بعض بدن مثل دست اگر چه اظهر جواز آن است و گوشها ظاهراً از سر محسوبند و در حکم سر است بعض سر الا آنکه استثناء شده از آن گذاشتن بند خیک آب بر سر و دستمالی که بر سر به جهت صداع بندد و اشهر و اظهر جواز پوشانیدن رو است از برای مرد و در حکم پوشانیدن سر است ارتماس در آب بلکه مطلق مایع

### (مسأله ۱)

و بدان که فدیة پوشانیدن سر یک گوسفند است و احوط تعدد فدیة است به تعدد پوشانیدن خصوصاً هر گاه بی عذر باشد خصوصاً هر گاه مجلس متعدّد باشد.

### هیجدهم پوشانیدن زن است روی خود را به نقاب و ...

#### اشاره

هیجدهم پوشانیدن زن است روی خود را به نقاب و غیر آن و هم چنین بعض آن را مگر آنقدر که من باب المقدمه به جهت پوشانیدن سر از برای نماز از اطراف رو پوشیده می شود و بعد از نماز فوراً آن را مکشوف نماید

### (مسأله ۱)

و جایز است به جهت رو گرفتن از نامحرم که طرف چیزی را که بر سر زده است از چادر و غیره پائین بیندازد تا محاذی بینی بلکه ذقن لکن بعضی واجب دانسته اند که آن را به دست یا به چوبی دور از رو نگاه دارد که از قبیل نقاب نشود و الا یک گوسفند کفاره بر او لازم است و این قول احوط است بلکه خالی از قوه (۲۶) نیست.

### نوزدهم سایه قرار دادن مرد است بالای سر

نوزدهم سایه قرار دادن مرد است بالای سر در حال منزل طی کردن به مثل هودج و چتر و نحو آن چه سواره باشد چه پیاده علی الأحوط و أحوط آن است که به پهلوی محمل و هر چیزی که بالای سر او نباشد استظلال نکند اگر چه جواز راه رفتن در سایه ی محمل و هر چیزی که بالای سر او نباشد خالی از قوه (۲۷) نیست و جایز است جمیع آنها در وقت منزل کردن هر چند رفت و آمد در کارهای خود کند و ننشیند اگر چه احوط ترک آن است در وقت (۲۸) تردد و هم چنین جایز است در وقت ضرورت به جهت شدت سرما یا گرما یا باران و لکن کفاره می دهد و از برای زن ها بلکه اطفال جایز است بی کفاره

**(مسأله ۱)**

و فدیة سایه انداختن یک گوسفند است و احوط آن است که اگر بتواند از برای هر روزی یک (۲۹) گوسفند بدهد.

**بیستم بیرون آوردن خونست از بدن**

بیستم بیرون آوردن خونست از بدن خود نه غیر هر چند به خراشیدن بدن باشد یا مسواک کردن باشد اگر بداند که موجب آن می شود و جایز است آن در حال ضرورت و بعضی گفته اند که کفاره آن گوسفندیست و بعضی گفته اند اطعام یک مسکین.

**بیست و یکم ناخن گرفتن**

بیست و یکم ناخن گرفتن هر چند بعض ناخن باشد مگر آنکه اذیت او کند مثل آنکه بعض او افتاده و بعض دیگر او را اذیت کند پس فدیة می دهد و فدیة آن بعض یک مدّ از طعام (۳۰) است چنانچه فدیة ناخن تمامی همان است و اگر مجموع ناخن دست و پا را در مجلس واحد بگیرد یک گوسفند لازم است و اگر دستها را در یک مجلس جدا و پاها را جدا بگیرد در مجلس دیگر دو گوسفند لازم است.

**بیست دوم کندن دندان**

بیست دوم کندن دندان است هر چند خون نیاید و بعضی گفته اند که کفاره او یک گوسفند است و آن احوط است.

**بیست و سیم و کندن درخت و گیاهی که در حرم روئیده**

بیست و سیم و کندن درخت و گیاهی که در حرم روئیده باشد مگر آنکه در ملک یا منزل او روئیده (۳۱) باشد یا آنکه خود

او را کاشته باشد و استثناء شده است از این ازخر که گیاهیست معروف و درخت میوه ها و درخت خرما

### (مسأله ۱)

و اگر درختی را بکند جمعی گفته اند که اگر بزرگ باشد یک گاو کفاره می دهد و اگر کوچک باشد یک گوسفند و اگر بعض درخت باشد قیمت آن را و در گیاه کفاره نیست به جز استغفار

### (مسأله ۲)

و جایز است گذاشتن شتر خود را که علف را بخورد و لکن خود به جهت او قطع نکنید و بدان که این حکم مختص مؤخر نیست بلکه درباره ی همه کس ثابت است و باکی نیست براه رفتن به نحو متعارف اگر چه موجب قطع بعض گیاه حرم بشود.

### بیست و چهارم سلاح برداشتن

بیست و چهارم سلاح برداشتن مثل شمشیر و نیزه و هر چه را پراق و آلت حرب گویند مگر به جهت ضرورت و صریح بعضی دخول مثل زره و خود و شبه آن از آلات حفظ نه دفع در مفهوم سلاح است و احوط عدم همراه داشتن سلاح است هر چند به تن او نباشد و در صورتی که ظاهر باشد والله العالم.

### فصل دوم؛ طواف عمره تمتع و در آن سه مقصد است.

#### مقصد اول در مستحبات دخول مکه و مسجد الحرام است تا زمان اراده طواف

بدان که سنت است که چون به حرم مکه برسد از شتر فرود آید و غسل دخول حرم کند و پا برهنه کند و نعلین در دست گیرد و به این عنوان داخل حرم بشود و در حدیث است که هر که چنین کند به جهت تواضع و فروتنی نسبت به حق تعالی خداوند عالم جل ذکره محو کند از او صد هزار گناه و بنویسد از برای او صد هزار حسنه و صد هزار حاجت او را بر آورده کنند و در وقت دخول حرم این دعا را بخواند

«اللهم انك قلت في كتابك و قولك الحق: و اذن في الناس بالحج يا توک رجالا و علی کل ضامر یأتین من کل فج عمیق - اللهم انی ارجو ان اکون ممن اجاب دعوتک و قد جئت من شقه بعیده و فج عمیق سامعا لندائک و مستجیا لک مطیعا لامرک و کل ذلک بفضلک علی و احسانک الی فلک الحمد علی ما وفقتنی له ابتغی بذلک الزلفه عندک و القربه الیک و المنزله لیدیک و المغفره لذنوبی و التوبه علی منها بمنک، اللهم صل علی محمد و آل محمد و حرم بدنی علی النار و آمنی من عذابک و عقابک برحمتک یا ارحم الراحمین».

و سنت

است که به جهت دخول مکه معظمه غسل دیگر کند اگر میسر شود و چون داخل مکه شود به آرام تن و به آرام دل و چون داخل مکه شود از راه بالای مکه داخل شود و بعضی گفته اند که این حکم مختص کسانی است که از راه مدینه روند و بعضی غسل به جهت دخول مسجد الحرام ذکر کرده اند و چون داخل شود از در بنی شیبه داخل شود و گفته اند که آن در الحال برابر باب السلام است باید که چون از باب السلام داخل شود راست بیاید تا ستون ها و با کمال خضوع و خشوع و آرام دل و تن بر در مسجد بایستد و بگوید چنانچه در خبر صحیح است «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و در روایت دیگر وارد است که بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ مِنْ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ عَلَى مَلِكِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا

وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ عَلَىٰ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْمِعْ لِي فِي طَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ وَ احْفَظْ لِي الْإِيمَانَ أَيْدِئاً مَا أَبْقَيْتَنِي جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَ زُورِهِ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَ عَلَىٰ كُلِّ مَأْتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَنَاهُ وَ زَارَهُ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَأْتِيٍّ وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ حَيْدُكَ لَا شَرِيكَ لَكَ بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ تَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تَحْفَتَكَ إِيَّايَ بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

پس سه مرتبه می گوید:

«اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ». پس می گوید:

«وَأَوْسَعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ وَ شَرَّ فَسَاقِهِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ». پس داخل مسجد الحرام می شود و می گوئی بسم الله و بالله و على مله رسول الله صلى الله عليه و اله پس دستها را بر دارد و روى به كعبه معظمه بكن و بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَ فِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتِي وَ أَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي





و ال محمّد بفرست و بگو اللهم تقبل مني پس دست و رو و بدن را به حجر الاسود می مالی و می بوسی او را و اگر نتوانی بوسی دست بمال و اگر نتوانی دست را بمالی اشاره بکن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاهِ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقاً بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حَيْدُهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللّٰهَ وَ الْعُزَّى وَ عِبَادَةَ الشَّيْطَانِ وَ عِبَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ» و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَّطْتُ يَدِي وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظُمْتُ رَغْبَتِي فَاقْبَلْ سَبِّحَتِي وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ».

### مقصد دوم؛ واجبات طواف و بعضی از احکام آن

#### اشاره

بدان که مکلف به عمره تمتع بعد از دخول مکه واجبست که ابتدا کند به طواف خانه کعبه و طواف از ارکان عمره است پس کسی که عمدتاً او را ترک کند تا وقتی که متمکن از او نشود پیش از وقوف به عرفات عمره او باطل است چه عالم به مسأله باشد چه جاهل و ظاهراً حجّ او حجّ افراد می شود و وجوب قضای حجّ بر او در سال آینده قویست به خلاف کسی که حجّ تمتع او به جهت عذر بدل به افراد شود چنانچه خواهد آمد

#### (مسأله ۱)

و اگر کسی سهواً ترک کند لازم است اتیان به آن هر وقت که باشد و اگر به بلد خود رفته باشد و متعذر یا متعسر باشد از برگشتن نایب بگیرد و اگر سعی را به جا آورده سعی را نیز اعاده (۳۲) کند

#### (مسأله ۲)

و مریض اگر ممکن است او را دوش می گیرند و طواف می دهند و الا نایب می گیرند از برای او و بدان که واجبات طواف دوازده امر است پنج از آن شرط خارج و هفت از آن واجب داخل.

شرط اول:

طهارت از حدث پس جایز نیست طواف واجب از محدث و اگر محدث غفله طواف کند طواف او باطل است و اگر در اثنای طواف محدث شود پس اگر بعد از تجاوز نصف بوده قطع می کند و طهارت می گیرد و از موضع قطع (۳۳) تمام کند و اگر قبل از آن بوده طواف را بعد از طهارت از سر گیرد و بدان که حکم شک در گرفتن طهارت بعد از حدث یا شکستن آن بعد از گرفتن قبل از طواف و بعد از آن و در اثنای آن حکم شکست در طهارت به جهت نماز حرفا به حرف و اگر معذور باشد در وضو (۳۴) و غسل واجب است تیمم به جهت اباحه طواف به نحوی که در تیمم به جهت صلوه مقرر شده و اگر آب و

چیزی که به آن تیمم کند هیچیک موجود نباشد پس حکم آن حکم غیر متمکن از طوافست که با یأس از تمکن نایب می گیرد و احوط (۳۵) در غیر جنب و حیض و نفساء و مستحاضه آنست که خود نیز طواف کند چنانچه

احوط آن است که جنب متیمّم بعد از آنکه طواف کند نائِب گیرد و بدان که زن اگر حیض باشد و همه زمانی که در مکه است پاک نشود از برای طواف نایب می گیرد و سایر اعمال را خودش به جا می آورد و مثل جنب متیمّم خودش دیگر طواف نمی کند.

شرط دوّم:

طهارت بدن و رخت از نجاست هر چند نجاستی باشد که در نماز معفوّ است مثل دم کمتر از درهم و دم جروح و قروح علی الاحوط خصوصاً به ملاحظه قول به حرمت ادخال مطلق نجاست در مسجد اگر چه خلاف آن اقویست و اگر طواف کند پس عالم شود به نجاست بعد از فراغ از طواف اظهر صحّت است و اگر عالم شود در اثنای طواف جمعی برانند که قطع کند طواف را و ازاله می کند نجاست را و بر می گردد و تمام می کند طواف را و احوط استیناف است بعد (۳۶) از اتمام خصوصاً با تخلّل فعل کثیر که موجب قطع طواف بوده باشد قبل از اكمال چهار شوط و همچنین است حکم هر گاه نجاست عارض ثوب یا بدن شود در حال طواف و کفایت اتمام در اینجا اظهر است و اگر فراموش کند نجاست را و طواف کند پس اقوی (۳۷) و احوط اعاده طواف است.

شرط سیّم:

ختنه کردن است در حقّ مردان پس بدون آن طواف باطل است و این شرط درباره ی زنان نیست و احوط ثبوت این شرط است درباره ی اطفال کوچک پس اگر بدون ختنه طواف کند یا طواف دهند آنها را طواف نساء از ایشان باطل خواهد بود پس زن از برای ایشان بعد از بلوغ حلال نخواهد

بود مگر آنکه تدارک طواف نساء نمایند به خود یا نایب.

شرط چهارم:

ستر عورت است بنا بر احوط بلکه اقوی و معتبر است در آن اباحه (۳۸) بلکه احوط ملاحظه جمیع شرایط لباس مصلیست در آن نظر به حدیث مشهور که طواف در حکم نماز است.

شرط پنجم:

نیّت است و نیّت چنین کند که هفت دور طواف خانه ی کعبه می کنم طواف عمره تمتّع از فرض حجّه الاسلام به جهت اطاعت فرمان خداوند عالم و اما واجبات داخل در حقیقت آن هفت است پس:

اوّل:

ابتدا کردن است به حجرالاسود به نحوی که تمام بدن او مرور کند بر تمام حجرالاسود و چون تحقق این معنی بر وجه حقیقت بسیار متعسّر بلکه متعذر است اکتفا می شود در تحقق آن به آنکه محاذی نماید بیشترین اجزاء بدن خود را با بیشترین اجزاء حجرالاسود لهذا کلام واقع شده در تعیین جزوی که از انسان مقدم بر همه اجزای بدن او است که آیا آن جزو طرف بینی است یا طرف انگشت ابهام پاهاست یا مختلف می شود حتی آنکه در بعضی که بطین اند جزء اوّل شکم است و اما جزء مقدم حجرالاسود پس در زیر تنکه نقره پنهانست و پر واضح است که ملاحظه ی محاذات مذکوره در غایت تعسّر است خصوصاً با ازدحام شیعه و سنی در طواف با آنکه در آنجا دو سنگ نصب کرده اند که شخص طواف کننده به ملاحظه ی آنها تحصیل علم یا مظنه به محاذات حجرالاسود می کند لهذا اختلاف واقع شده میانه علماء و متأخرین قدس الله اسرارهم در رفع این مشقت و حرج بر چند وجه:

وجه اوّل منع وجوب ابتدا به اوّل حجرالاسود است آنقدر که واجب است

ابتدا به حجر است نه اوّل آن.

وجه دوّم آنکه محاذات عرفیه کفایت می کند یعنی همین قدر که در عرف گویند که مقابل اوّل حجر است.

وجه سیّم آنکه شخص مکلف از اندکی پیشتر نیت کند که ابتدا در واجب از محاذی حجر بوده باشد و انتهاء آن به همان موضع محاذی و زاید از باب مقدمه علمیه بوده باشد و این نیت را در ذهن باقی بدارد تا وقتی که محاذی حجر شود کافی خواهد بود و اگر آنچه در قلب حاضر است استفاده این نیز دشوار باشد حاجت بان هم نیست بنا بر این که نیت داعی بر فعل است و این وجه اقوی و احوط است و بر همین محمول است آنچه به صحت پیوسته است که حضرت فخر کاینات (ص) سواره طواف به جا آوردند

دوّم:

ختم نمودن هر دوریست به حجرالاسود و این معنی متحقق نمی شود الا بعد از محاذات جزء اوّل بدن بجزء اوّل حجر و در این جا نیز اگر به جهت تحصیل علم به اتمام دوره قدری زیاد برود به قصد آنکه زاید مقدمه ایست خارج به جهت تحصیل علم به مجازات کافی خواهد بود.

سیّم:

آنکه در جمیع احوال طواف خانه را به دست چپ گذارد پس اگر شخص در بعض اجزاء طواف رو به خانه ی کعبه کند به جهت بوسیدن ارکان یا غیر آن یا آنکه به صدمه حجّاج در وقت ازدحام پشت به خانه یا رو به خانه شود ان جزء از طواف محسوب نخواهد بود و واجب است اعاده همان جزء نماید و از این جا اشکال می شود در وقت گذشتن از دو باب حجر اسماعیل (ع) که اگر شخص از

حجر الاسود بیاید در حالی که خانه در دوش چپ باشد و از باب حجر به همان خطّ مستقیم که داشت بگذرد خانه در وقت محاذات باب حجر از دوش چپ او ردّ می شود به پشت سر او می افتد اگر چه حجر بر دوش چپ هست لکن او مصداق بیت نیست و از این جهت بعض محتاطین قبل از رسیدن به باب حجر قدری بدن خود را کج می کنند به طرف چپ خود که شانه ی چپ ایشان از خانه رد نشود و همچنین قبل از رسیدن به باب دیگر حجر قدری بدن خود را کج می کنند به جانب راست خود تا شانه ی چپ از خانه ردّ نشود و همین دقت را می کنند در وقت رسیدن به ارکان چرا که اگر شخص به همان خطّ مستقیم که به گوشه خانه می رسد از آن جا منحرف شود خانه از دوش چپ او ردّ می شود و امر در اینجا مشکل تر است لکن ملاحظه این دقت ها از کلمات علماء بر نمی یاید بلکه ظاهر کلمات ایشان کفایت طواف است به خطّ مستقیم در جمیع اجزاء مطاف و از اخبار نیز همین استفاد می شود خصوصاً آنچه متضمّن طواف حضرت رسالت پناه (ص) سواره بر شتر خود و اگر حجر اسماعیل (ع) داخل خانه باشد چنانچه نسبت به مشهور داده اند اشکال اوّل از اصل مندفع است چنانچه مخفی نیست.

چهارم:

داخل کردن حجر حضرت اسماعیل است که مدفن مادر آن حضرت است بلکه بسیاری از انبیاء علی نبینا و آله و علیهم السلام است در طواف به آنکه دور او بگردد و داخل او نشود پس اگر داخل آن شود در اثناء طواف پس

آن شوط یعنی آن دوره باطل است و کفایت نمی کند تدارک آن از موضعی که داخل حجر نشده چنانچه جمعی به آن تصریح نموده اند بلکه از بعضی بطلان اصل طواف نقل شده چنانچه ظاهر بعضی اخبار است و لهذا احوط اعاده کل طواف است بعد از اتمام آن.

پنجم:

بودن طواف است در میان خانه ی کعبه و مقام حضرت ابراهیم خلیل علی نبینا و آله و علیهم السلام در جمیع جوانب به این معنی که ملاحظه می شود مسافت ما بین خانه و مقام که تقریباً بیست و شش ذراع و نصف است و ملاحظه ی این مقدار از جمیع جهات می شود پس اگر شخص در بعض احوال طواف دور از خانه شود زیاده بر مقدار مذکور طواف نسبت به آنقدر خارج باطل است و حجر اسماعیل که تقریباً بیست ذراع می شود از مقدار مذکور است علی الاحوط بل الاظهر پس محل طواف از طرف حجر پیش از شش ذراع و کسری نیست پس اگر زیاده از این از حجر دور شود از مطاف خارج شده و اعاده آن جزء در مطاف احوط بلکه اظهر خواهد بود.

ششم:

خروج طواف کننده است از خانه و آنچه از آن محسوب است و آن صّفه کوچکیست در اطراف خانه که مسمی به شاذروان است پس اگر در بعض احوال شخص طواف کننده بر آن راه رود آن جزء از طواف باطل است و اعاده آن لازم و هم چنین اگر در اثناء طواف بالا رود بر دیوار حجر اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام بلکه احوط آنکه در اثناء طواف دست خود را دراز نکند از طرف شاذروان به دیوار خانه

به جهت استلام ارکان یا غیر آن و همچنین دست بر روی دیوار حجر نگذارد.

هفتم:

آنکه هفت شوط یعنی هفت دور طواف کند نه کم و نه زیاد پس اگر کم کند شوطی را یا بیشتر اگر عمداً بوده باشد واجب است اتمام آن در صورت عدم فعل کثیر که موجب فوت موالات بوده باشد و اگر فوت موالات شده باشد پس آن داخل قطع طواف است عمداً و خواهد آمد و اگر سهواً کم کرده مشهور تفصیل است اما بین تجاوز نصف و عدم آن پس تمام می کند در اول و از سر می گیرد در ثانی و اگر متذکر نشود مگر بعد از مراجعت به وطن خود پس نایب می گیرد و بعضی تفصیل داده اند ما بین فراموشی یک شوط و بیشتر پس اتمام می کند در اول و استیناف می کند در ثانی و این قول احوط است و احوط از آن اتمام و اعاده است مطلقاً و اما اگر زیاده (۳۹) کند شوطی را یا بیشتر یا کمتر پس اگر به قصد جزئیت طواف دیگر باشد داخل در قران بین طوافین است که در فریضه حرام (۴۰) بلکه مبطل است و در نافله مکروه است و اگر به قصد لغویت باشد پس ضرری به طواف ندارد چه این قصد را در اول طواف کند چه در اثناء چه بعد از اتمام هفت شوط و اگر قصد جزئیت این طواف کند پس اگر در ابتدای طواف قاصد آن بوده بر وجه جزئیت پس اشکالی در بطلان طواف از اول شروع نیست چنانچه گذشت و هم چنین اگر در اثناء طواف این قصد کند از همان وقت باطل



است و اگر در آخر این قصد را نماید پس مشهور بطلان طوافست چنانچه هر گاه رکعتی بر نماز زیاد کند و اگر سهواً زیاد کند پس اگر کمتر از یک شوط است قطع می کند و اگر یک شوط یا زیادتر است باز طواف واجب صحیح (۴۱)

و مستحب است که آن را تمام کند هفت شوط به قصد قربت مطلقه و اولی در زیادتی سهواً اعاده طواف است و گر شخص طواف کننده شک کند در عدد شوطهای طواف پس اگر بعد از فراغ از طواف بوده باشد شکش اعتبار ندارد و اگر در اثناء طواف بوده باشد پس اگر شک کند میان تمام و زیادتی مثل آنکه در آخر شوطی شک کند که آن شوط هفتم است یا هشتم شکش اعتبار ندارد و طواف او تمام است و اگر در اثنای شوطی بوده که مردّد است میانه هفتم و هشتم بعضی گفته اند که باز طواف او باطل است و آن احوط است و اگر یقین کند که زیاد بر هفت (۴۲) نیست پس اشهر آنکه در جمیع صور شک استیناف طواف لازم است و جمعی گفته اند که بنا بر اقل می گذارد و قول اول خالی از قوه نیست با آنکه فی الجمله احوط است و احوط ازان بنا بر اقل و اتمام و بعد از آن اعاده طواف است و بدان که احوط عدم قطع طواف واجب است یعنی ترک بقیه آن به نحوی که موالات عرفیه فوت شود بدون عذر و به مجرد خواهش نفس و بعضی تصریح به منع از آن کرده اند و اگر مرتکب قطع شد پس احوط بلکه اقوی

استیناف آن است هر چند که چهار شوط از آن به جا آورده باشد و اما اگر عذری اتفاق شود که مانع از اتمام باشد مثل مرض یا حیض یا حدث بی اختیار پس مشهور تفصیل است ما بین اتمام چهار شوط و عدم آن پس استیناف می کند در ثانی و اتمام می کند از موضع قطع در اول و اگر قادر بر اتمام نباشد احوط آن است که صبر کند تا وقت آن طواف تنگ بشود و اگر قادر نشد او را دوش می گیرند و طواف می دهند و اگر ممکن نباشد نایب از برای او می گیرند در اتمام.

## مقصد سوم؛ مستحبات حال طواف

### اشاره

بدان که سنت است که در حال طواف سر برهنه و پا برهنه مشغول دعا و ذکر الهی باشد و حرف عبث نزنند و گامها را نزدیک بر دارد و ترک کند آنچه را در نماز مکروه است از افعال و بسند معتبر از حضرت رسول (ص) مرویست که هر که طواف خانه ی کعبه کند در وقت زوال با سر برهنه و گامها را تنگ بر دارد و چشم خود را از نامحرم و عورت بپوشاند و حجر الاسود را در هر شوطی دست یا بدن بمالد بی آنکه آزارش به کسی برسد و ذکر الهی را از زبان قطع نکند بنویسید خدای تعالی از جهت او به عدد هر گامی هفتاد هزار حسنه و محو کند از او هفتاد هزار گناه و بلند کند در بهشت از برای او هفتاد هزار درجه و بنویسید از جهت او ثواب آزاد کردن هفتاد هزار بنده که بهای هر یک ده هزار درهم باشد و او را شفیع سازد در هفتاد

هزار کس از اهل بیت او و بر آورد از جهت او هفتاد هزار حاجت اگر خواهد در دنیا به او برساند و اگر خواهد در آخرت و سنت است که در حال طواف این دعا را بخواند

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلْلِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جِدِّ الْأَرْضِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّهُ مِنْكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ أَتَمَّمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا».

و حاجت خود را به طلب و سنت است که در حال طواف نیز بگویی:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقِيئْ وَ إِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَ لَا تُبَدِّلْ إِسْمِي».

و در هر شوط که بدر خانه ی کعبه رسی صلوات بر محمد و ال محمد بفرست و این دعا را بخوان:

«سَائِلُكَ، فَاقِيئُكَ، مَسْئِلُكَ بِبَابِكَ، فَتَصَدِّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَ الْحَرَمُ حَرَمُكَ وَ الْعَبِيدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِحُكْمِ الْمُسْتَجِيرِ بِحُكْمِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعْتِقْنِي وَ وَالِدِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ» و چون به حجر حضرت اسمعیل علی نبینا و آله و علیه السلام برسد نگاه به ناودان طلا کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَ أَجْرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَ عَافِنِي مِنَ السَّقَمِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

و چون از حجر بگذرد و به پشت

کعبه برسد، بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَلُهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَ خَالِقَ الْعَافِيَةِ وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ وَ الْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَ الْمَنَّانُ بِالْعَافِيَةِ وَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ  
يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ  
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَ عَظَّمَكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَ جَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا. اللَّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَ جَنَّةَ شَرَارِ  
خَلْقِكَ»

و چون میان رکن یمانی و حجرالأسود برسد، بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ».

و چون در شوط هفتم به مستجار رسد و آن پشت کعبه است نزدیک بر رکن یمانی برابر در خانه بایستد و دستها را به گشاید به  
خانه و روی خود و شکم خود را برساند به کعبه و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَ الْعَبِيدُ عِبِيدُكَ وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِكَ الرُّوحُ وَ الْفَرْجُ وَ الْعَافِيَةُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي  
ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَ اغْفِرْ لِي مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ مِنِّي وَ خَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».

و بگوید:

اللهم ان عندى افواجا من ذنوب و افواجا من خطايا و عندك افواجا من رحمة و افواجا من مغفرة يا من استجاب لابغض خلقه اذ  
قال انظرنى الى يوم يبعثون استجب لى پس حاجت خود را به طلب و

دعا بسیار بکن و اقرار به گناهان خود هر چه دانی مفضیلاً بکن و هر چه را به خاطر نداشته باشی مجملاً اقرار کن و طلب آمرزش کن که البتّه آمرزیده می شوی انشاءالله تعالی پس چون به حجرالاسود رسد بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَ بَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي».

و می باید کمال ملاحظه بکنند در هر مرتبه که می رود که حجر را ببوسد یا دست بمالد ارکان را یا خود را به مستحار بساید آن جا را نشان کند و چون این عمل را به جا آورد باز به جای خود رود و از آنجا روانه شود تا زیاده و کم در طواف حاصل نشود.

### (مسأله ۱)

و اگر کسی این نماز (۴۳) را فراموش کند هر وقت که متذکر شود به جا آورد در مقام و اگر در مقام ممکن نشود در سایر مواضع مسجد الاقرب فالاقرب به مقام و ظاهر این است که اعاده آنچه به جا آورده از سعی و غیره لازم نباشد اگر چه احوط اعاده آن است و بعضی متفرع کرده اند بر اعتبار ترتیب ما بین نماز طواف و ما بین افعال لاحقه آنکه کسی که واجبات نماز را از قرائت و غیرها نداند عمره او باطل است و هم چنین حج او پس بری الذمه نخواهد شد از حجها الاسلام لهذا بر مکلف لازم است در جمیع اوقات خصوصاً در وقت اراده حج بیت الله الحرام به تصحیح نماز خود و اگر ممکن شود نماز طواف را در مقام به جماعت کند ولی در اکتفا کردن به جماعت اشکال است و احوط ایتان به فراداست نیز

### (مسأله ۲)

و اگر دشوار باشد از برای شخص ناسی برگشتن به مسجد پس به جا بیاورد آن را در هر مکانی که متذکر شود هر چند در بلد دیگر بوده باشد و احوط آن است که برگردد به حرم اگر دشوار نباشد و آن را به جا آورد و بعضی در صورت تعدّر برگشتن به مقام استنباه را لازم دانسته اند بنا بر این احوط جمع است میانه قضای آن در هر جا که متذکر شود و گرفتن نایب که آن را در مقام به جا آورد و اگر به میرد واجب است بر ولی قضاء مثل باقی نمازی که از میت فوت شده و مستحب است در نماز طواف آنکه

در رکعت اول بعد از حمد سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد بخواند و چون از نماز فارغ شود حمد و ثنای الهی به جا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و طلب قبول از خداوند عالم نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي. الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَيَرْضَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي».

و در بعض روایاتست آنکه بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَطَاعَتِي رَسُولِكَ (ص) اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ (ص) وَمَلَائِكَتِكَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ».

پس به سجده رود و بگوید:

«سَيَجِدُ لَكَ وَجْهِي تَعَبْدًا وَرِقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَهَذَا إِذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ فَاعْفِرْ لِي».

### فصل سوم؛ نماز طواف

فصل سیم در نماز طوافست بدان که واجبست بعد از طواف عمره دو رکعت نماز طواف مثل نماز صبح و واجب است که آنها را در نزد مقام حضرت ابراهیم به جا آورد و احوط مبادرت به اتیان آن است بعد از طواف و احوط آنست که در پشت مقام به جا آورد و با عدم تمکن و بعد مفرط که نزد مقام صدق نکند در یکی از دو جانب آن به جا آورد و اگر آن هم ممکن نباشد مراعات می کند الاقرب فالاقرب به سوی خلف مقام

و دو جانب آن را و احوط اعاده نماز است اگر متمکن شود از آن در پشت مقام تا آخر تنگی وقت آن و اما طواف مستحب پس نماز او را در همه مسجد می توان کرد اختیاراً بلکه گفته اند که ترک می توان کرد عمداً

## فصل چهارم؛ سعی و در آن سه مقصد است.

### مقصد اول؛ آداب سعی و مستحبات قبل از آن

مقصد اول در آداب سعی ما بین صفا و مروه و مستحبات قبل از سعیست چون اراده سعی نماید سنت است که بیاید به نزد حجرالاسود و آن را ببوسد و دستها را یا بدن را بمالد یا اشاره کند پس بیاید به نزد چاه زمزم و خود یک دلو یا دو دلو آب بکشد از دلوئی که مقابل حجرالاسود است و بر سر و پشت و شکم بریزد و بخورد و این دعا را بخواند

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ».

پس متوجه صفا شود از دری که محاذی حجرالاسود است و آن دریست که حضرت رسول خدا (ص) از آن بیرون رفت و به آرام دل و تن برود بالای کوه صفا تا نظر کند به خانه ی کعبه و رو به رکن عراقی کند و حمد و ثنای الهی به جا آورد و از نعمتهای الهی به خاطر آورد پس هفت نوبت الله اکبر بگوید و هفت نوبت الحمد لله و هفت نوبت لا اله الا الله پس سه مرتبه بگوید:

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

پس صلوات بر محمد و آل محمد به فرستد دیگر سه نوبت بگوید الله

أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَى الْقَيُّومِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَى الدَّائِمِ پس سه نوبت بگوید اشهد ان لا إلهَ إِلَّا اللَّهُ و اشهد ان محمدا عبده و رسوله لا نعبد الا اياه مخلصين له الدين و لو كره المشركون سه نوبت بگوید:

اللهم انى استلكت العفو و العافيه و اليقين فى الدنيا و الاخره پس سه مرتبه بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فى الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». پس صد مرتبه اللَّهُ أَكْبَرُ بگوید و صد مرتبه لا إلهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید و صد مرتبه الحمد لله بگوید و صد نوبت سبحان الله

پس بگوید:

لا إلهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ خَدَهُ انجز وعده و نصر عبده و غلب الاحزاب و حده فله الملك و له الحمد وحده اللهم بارك لى فى الموت و فيما بعد الموت اللهم انى اعوذ بك من ظلمه القبر و وحشه اللهم اظلنى فى ظل عرشك يوم لا ظل الا ظلك و بسيار تكرار كن سپردن دين و نفس و اهل خود را به خداوند عالم و بگو:

استودع الله الرحمن الرحيم الذى لا تضيع و دأعه دينى و نفسى و اهلى مالى و ولدى، اللهم استعملنى على كتابك و سنه نبيك و توفنى على ملته و اعزنى من الفتنه. پس سه مرتبه بگوید:

اللَّهُ أَكْبَرُ پس دو مرتبه دعای سابق را بخوان پس يكبار تكبير بگو و بگو دعای سابق را و اگر همه عمل گذشته را نتوانى بخوانى پس هر قدر كه مى توانى بخوان و مستحب است كه اين دعا بخواند:

اللهم اغفر لى كل ذنب اذنبته قط فان عدت فعد على بالمغفره فانك انت الغفور الرحيم، اللهم افعل



بی ما انت اهلہ فانک ان تفعل بی ما انت اهلہ ترحمنی و ان تعذبنی فانت غنی عن عذابی و انا محتاج الی رحمتک فیا من انا محتاج الی رحمته ارحمنی لا تفعل بی ما انا اهلہ فانک ان تفعل بی ما انا اهلہ تغذبنی و لم تظلمنی اصیحت اتقی عدلک و لا اخاف جورک فیا من هو عدل لایجور ارحمنی.

پس بگوید:

یا من لا- یخیب سائله و لا ینفد نائله صل علی محمد و آل محمد و اعذنی من النار برحمتک و در حدیث است کسی که خواهد مال او زیاد شود پس باید که طول دهد ایستادن در صفا را و در پایه ی چهارم رو به کعبه این دعا را بخواند:

اللهم انی اعوذ بک من عذاب القبر و فتنه و غربته و وحشته و ظلمته و ضيقه و ضنکه، اللهم اظلنی فی ظل عرشک یوم لا ظل الا ظلک.

پس از آن پایه پائین آید و پشت خود را برهنه کند و بگوید یا رب العفو یا من امر بالعفو یا من هو اولی بالعفو، یا من یشیب علی العفو، العفو العفو العفو یا جواد یا کریم یا قریب یا بعید، اردد علی نعمتک و استعملنی بطاعتک و مرضاتک.

### مقصد دوم؛ وجوب و واجبات سعی و بعضی از احکام آن

#### اشاره

بدان که واجب است بعد از نماز طواف سعی کردن یعنی رفتن و آمدن ما بین صفا و مروه که دو مکان معین اند نزدیک مسجد و بدان که سعی مثل طواف رکن است و حکم ترک آن عمداً یا سهواً چنان است که در طواف گذشت

#### (مسأله ۱)

و بدان که طهارت از حدث و خبث و ستر عورت هیچ یک از اینها در سعی معتبر نیست لکن احوط مراعات طهارت از حدث است

#### (مسأله ۲)

و واجب است که آن را بعد از طواف و نماز او به جا آورد و اگر فراموش کند و تقدیم سعی بر طواف کند احوط اعاده سعیست و هم چنین است جاهل به مسأله

#### (مسأله ۳)

و واجب است که ابتدا کند از جزء اول صفا به آن که پاشنه ی پا را بچسباند به جزء اول مسافت و احوط آن است که چهار درجه از صفا بالا رود و نیت کند و آن را مستمر بدارد تا نزول از آنها و نیت چنین کند که هفت مرتبه سعی می کنم میانه

صفا و مروه در فرض عمره تمتع به جهت اطاعت فرمان خداوند عالم پس از آن جا برود پیاده یا سواره بر حیوان یا دوش انسان تا برسد به مروه به قسمی که انگشت پا را بچسباند یا تدرجی که به مروه بالا می روند و این را یک شوط حساب می کند و احوط بالا رفتن است به در جات مروه نیز و از آنجا بر می گردد به نحوی که ابتدا از صفا کرده تا برسد به صفا به نحوی که به مروه ختم کرده بود پس به هر رفتن و برگشتنی دو شوط حاصل می شود و شوط هفتم به مروه ختم می شود

#### (مسأله ۴)

و واجب است رفتن و برگشتن از راه متعارف باشد پس اگر از میان مسجد الحرام یا از طرف سوق اللیل مثلاً به مروه رود یا به صفا بیاید مجزی نخواهد بود

#### (مسأله ۵)

و واجب است که متوجه مروه باشد در وقت رفتن و متوجه صفا باشد در وقت برگشتن پس اگر به طور قهقری طی مسافت کند مجزی نخواهد بود بلی التفات به چپ و راست بلکه گاهی به پشت ضرر ندارد

#### (مسأله ۶)

و بدان که جایز است به جهت استراحت نشستن بر صفا یا مروه تا راحت حاصل شود و احوط ترک جلوس است در ما بین صفا و مروه بدون عذر

#### (مسأله ۷)

و بدان که جایز است تاخیر سعی از طواف به جهت رفع خستگی و به جهت تخفیف حرارت هوا و جایز نیست تأخیر آن تا فردا و اقوی جواز تأخیر آن است تا شب آن روز و احوط ترک آنست بدون عذر والله العالم

#### (مسأله ۸)

و بدان که زیاد کردن در سعی بر هفت شوط عمداً مبطل سعیست به نحوی که در طواف گذشت

#### (مسأله ۹)

و اگر سهواً (۴۴) زیاد کند پس اگر کمتر از یک شوط باشد او را طرح می کند و سعی او صحیح است و اگر یک شوط یا بیشتر باشد باز سعی صحیح است و جمعی ذکر کرده اند که مستحب است که زاید را تمام کند و هفت شوط تا سعی دیگری باشد و بر طبق آن خبر صحیح وارد شده

#### (مسأله ۱۰)

و اگر کم کند سهواً پس واجب است بر او تمام هر وقت که متذکر شود هر چند که در بلد خود رفته باشد و اگر متمکن از مراجعت نیست نایب می گیرد و احوط در صورت عدم اکمال چهار شوط استیناف سعیت و حلال نمی شود بر او آنچه حرام شده با حرام و جمعی ذکر کرده اند که اگر نسیان بعض سعی کند و در عمره تمتع باشد پس به گمان اتمام اعمال عمره محلّ شد پس مقاربت با زنان نمود واجب است بر او کشتن گاو یا به جهت کفاره و سعی را تمام می کند و بر این طبق روایت معتبره هست بلکه جماعتی ملحق کرده اند به جماع گرفتن ناخنها را و بر این نیز روایتی هست و عمل به آن احوط است

## (مسأله ۱۱)

و اگر شك کند در عدد اشواط سعی پس بعد از انصراف از آن شكش اعتباری (۴۵) ندارد و اگر در اثنای سعی بوده باشد پس اگر یقین داند که تا هفت شوط تمام کرده است یا زیادتر و این متصور می شود در وقتی که خود را به مروه به بیند نمی داند که هفت شوط شده یا نه شوط پس شك او اعتبار ندارد و بنا را بر تمام می گذارد و اگر در بین شوط باشد ظاهراً سعی او باطل است چنانچه هر گاه شك او به کمتر از هفت متعلق شود.

## مقصد سوم؛ مستحبات حال سعی

### اشاره

بدان که سنت است که در حال سعی پیاده باشد و آنکه میانه رود از صفا تا به مناره و از آنجا تند رود مثل شتر تا بازار عطاران و اگر سوار باشد چهار پای خود را حرکت دهد مادامی که آزاری بکسی نرساند و از آنجا میانه رود تا به مروه و از برای زنان این هروله نیست و چون به مناره رسد بگوید:

بسم الله و بالله و الله اکبر و صلی الله علی محمد و اهل بیته، اللهم اغفر وارحم و تجاوز عما تعلم انک انت الاعز الاکرم، واهدنی للتی هی اقوم اللهم ان عملی ضعیف، فضعفه لی و تقبله منی، اللهم لک سعی و بک حولی و قوتی تقبل منی عملی یا من یقبل عمل المتقین.

پس تند برود تا به مناره دیگر رسد چون از آنجا بگذرد بگوید یاذا المن و الفضل و الکریم و النعماء و الجود اغفر لی ذنوبی، انه لا یغفر الذنوب الا انت. چون به مروه برسد دعای اول را بخواند که در صفا خواند

و بگوید:

اللهم يا من امر بالعفو يا من يحب العفو يا من يعطي على العفو، يا من يعفو على العفو يا رب العفو، العفو العفو العفو.

و سعی کند در گریه کردن و خود را به گریه بدارد و دعای بسیار کند در حال سعی و این دعا بخواند:

اللهم انى اسالك حسن الظن بك على كل حال و صدق النيه فى التوكل عليك.

و اگر فراموش کند تند رفتن را هر جا که به خاطرش آمد پشت پشت برگردد تا موضع تند رفتن برسد پس تند برود.

### (مسأله ۱)

و بدان که کسی که تقصیر را فراموش کند تا وقتی که احرام حجّ او منعقد شود عمره او تمام است و بر او فدیة است یک گوسفند علی الاحوط و اگر عمداً ترک کند تا محرم به حج شود جمعی تصریح فرموده اند به آنکه عمره تمتّع او باطل است و حجّ او افراد می شود بعد از آن عمره مفرده می کند و بعضی تصریح کرده اند که حجّ را در سال آینده اعاده می کند و بعضی احرام ثانی را باطل می دانند و تقصیر را بر او لازم می دانند با وسعت وقت از برای ادراک حجّ تمتّع

### (مسأله ۲)

بر شخص محرم بعد از تقصیر حلال می شود از برای او به غیر از سر تراشیدن جمیع آنچه به احرام بر او حرام شده بود بنا بر آنچه معروف است در ما بین علماء رضوان الله علیهم که طواف نساء مختصّ حجّ است و عمره غیر تمتّع و در عمره تمتّع طواف نساء مشروع نیست اگر چه شیخ شهید قدس سرّه حکایت کرده از بعض اصحاب و جوب آن را و قائل را تعیین نفرموده و علامه فرموده که خلاف در مسأله بر ما معلوم نیست و چون مظنه خلاف در مسأله هست و در بعضی اخبار ضعیفه السند دلالتی بر آن هست پس بی شبهه احتیاط در دین مقتضی فعل طواف نساء است با نماز آن بعد از تقصیر

### (مسأله ۳)

و بدان که هر گاه مکلف را ممکن نباشد اتیان به عمره تمتّع به جهت تنگی وقت ورود به مکه یا به جهت عروض حیض که اگر منتظر پاکی شود به جهت اتیان به طواف وقت وقوف به عرفات و مشعر می گذرد پس اگر احرام به جهت عمره بسته است نقل می کند تیت احرام را به احرام حجّ افراد و الاّ از مکه احرام می بندد (۴۷) و به عرفات و مشعر می رود و به مکه مراجعت می کند و طواف و سعی حجّ را و طواف النساء را به جا آورد بعد از آن عمره مفرده به جا می آورد و این کفایت می کند از آنچه بر او واجب بوده است از حجّ تمتّع

### (مسأله ۴)

و اگر به اختیار خود عمره را باطل کرد در وقتی که وقت وسعت اعاده آن را ندارد باز ظاهراً حجّ او افراد می شود و بعد از این

عمره مفرده به جا می آورد و لکن کفایت آن در برائۀ ذمّه مکلف از حجّ تمتّع محلّ تأمل است چنانچه اشاره به آن شد در فصل طواف.

## فصل پنجم؛ تقصیر

فصل پنجم در تقصیر است واجبست بعد از فراغ از سعی تقصیر و آن گرفتن بعضی از ناخنها یا قدری از شاربست (۴۶) و نیت چنین کند که تقصیر می کنم به جهت محلّ شدن از عمره تمتّع در فرض حجّه الاسلام به جهت اطاعت و فرمان برداری خداوند عالم و تراشیدن سر کفایت نمی کند از تقصیر بلکه حرام است

### باب دوم؛ افعال حجّ تمتّع و در آن هفت فصل است.

#### فصل اول؛ احرام حجّ تمتّع و در آن دو مقصد است.

#### مقصد اول؛ وجوب احرام و بعض احکام متعلقه به آن.

#### اشاره

چون دانستی که شخص بعد از تقصیر حلال می شود از برای او آنچه به احرام حرام شده بود پس واجب می شود بر او احرام از برای حجّ تمتّع و وقت آن موسع است اگر چه احوط عدم خروج از مکه است پیش از روز ترویبه و مضیق می شود وقتی که تأخیر احرام حجّ از آن وقت موجب فوت و قوف به عرفات در روز عرفه شود بلی مستحبّ است بلکه احوط است ایقاع آن در روز ترویبه و بعضی از علماً واجب دانسته اند آن را و نیت چنین کند که احرام می بندم یعنی خود را و می دارم بر ترک محرّمات احرام در حجّ تمتّع به جهت اطاعت فرمان خداوند عالم جلّ ذکره و کیفیت آن و تروک واجبه در حال احرام چنان است که در احرام عمره مذکور شد و محلّ این احرام مکه است در هر موضع که باشد اگر چه مستحبّ است که در مسجد در مقام یا در حجر واقع شود

#### (مسأله ۱)

و اگر کسی فراموش کند تا بیرون رود به منی یا به عرفات لازم است مراجعت و اگر ممکن نباشد به جهت ضیق وقت یا عذر دیگر از همان موضع احرام می بندد و اگر متذکر نشود تا بعد از ایتان به افعال پس ظاهر صحّت حجّ است چنانچه مشهور است اگر چه احوط در صورت تذکر بعد از فوات موقوفین یا قبل از فراغ اتمام و ایتان بحجّ است در سال آینده و جاهل در مسأله در حکم ناسیست بلی اگر کسی عمداً ترک کند احرام را تا زمان فوات و قوفین حجّ او باطل است.

#### مقصد دوم؛ مستحبّات احرام حجّ تا وقت وقوف در عرفات

مقصد دویم در مستحبّات احرام حجّ است تا وقت وقوف به عرفات بدان که افضل اوقات احرام از برای تمتّع بعد از فراغ از عمره تمتّع روز ترویبه است بعد از نماز ظهر و اگر ظهر نباشد عصر والا نماز واجبی دیگر هر چند قضا باشد و اگر نباشد بعد از

نماز احرام که اقل آن دو رکعت است چنانچه گذشت و افضل اماکن احرام از برای او از همه مکه مسجد الحرام است و افضل مواضع از برای او حجر حضرت اسماعیل است یا مقام حضرت ابراهیم پس در آن جا نیت کند بعد از پوشیدن جامه ی احرام و اعمالی که قبل از این در احرام عمره گذشت که احرام می بندم یعنی ملتزم می شوم به کف از محرمات مذکوره سابقاً به جهت توجه به جا آوردن فرض حج تمتع به جهت تقرب به خداوند عالم یا اطاعت فرمان او جل ذکره پس تلبیه گوید به نحوی که مذکور شد (۴۸) و چون مشرف شود بر ابطح به او

از بلند بگوید و چون متوجه منی شود بگوید:

اللهم اياك ارجوا و اياك ادعو فبلغني املی و اصلح لی عملی و به آرام تن و دل برود با تسییح و تقدیس و ذکر حق تعالی و چون به منی رسد بگوید الحمد لله الذی اقدمیها صالحا فی عافیة و بلغنی هذا المكان

پس بگوید:

اللهم هذه منی و هی مما مننت به علینا من المناسک فاسئلك ان تمن علی بما مننت علی انبیائك فانما انا عبدک و فی قبضتک و سنت است که شب عرفه در منی باشد و مشغول طاعت الهی باشد و بهتر آن است که این عبادتها را خصوصاً نمازها را در مسجد خیف به جای آورد چون نماز صبح کند تعقیب خواند تا طلوع آفتاب و روانه ی عرفات شود و اگر خواهد بعد از طلوع صبح روانه شود و لکن سنت بلکه احوط آنست که از وادی محسّر ردّ نشود تا آفتاب طالع نشود و مکروه است که پیش از صبح روانه شود و از بعضی حرمت حکایت کرده اند مگر از جهت ضرورتی مثل بیماری و کسی که خوف ازدحام خلق داشته باشد چون متوجه عرفات شود این دعا بخواند

اللهم الیک صمدت و ایاک اعتمدت و وجهک اردت اسئک ان تبارک لی فی رحلتی و ان تقضی لی حاجتی و ان تجعلنی ممن تباهی به الیوم من هو افضل منی و تلبیه گوید تا به عرفات رسد و چون خیمه اش در نمره بزند که نزدیک عرفات است متصل به آن و از عرفات نیست.

## **فصل دوم؛ وقوف در عرفات و در آن دو مقصد است**

### **مقصد اول؛ واجبات وقوف در عرفات.**

#### **اشاره**

وقوف به عرفات و آن موضعیت محدود به حدود معروفه و مراد از وقوف همین بودنست در آن مکان

چه سواره چه پیاده چه متحرک چه ساکن بلی اگر در مجموع زمان خوابیده باشد یا بیهوش باشد وقوف او باطل است و واجب است بنا بر احوط بودن در آنجا از ما بعد زوال تا غروب شرعی که وقت افطار و نماز مغربست پس کافی نیست حضور در آن مکان در وقت عصر مثلاً و واجب است در آن نیت به این نحو که می باشم در عرفات از پیشین امروز تا شام در حج تمتع حجّه الاسلام به جهت اطاعت فرمان خداوند عالم

### (مسأله ۱)

و بدان که بودن در مجموع این زمان اگر چه واجب است الا آن که رکن نیست پس اگر ترک آن را به سبب ترک کردن بعض اجزاء آن مثل آنکه مقداری از ما بعد زوال وقوف نکند حجّ او صحیح خواهد بود اگر چه گناه کار بوده باشد بلی مسدّمای وقوف رکن است و ترک آن عمداً موجب بطلان حجّ تمتع است و سهواً مبطل نیست مگر آنکه وقوف مشعر را نیز سهواً ترک کند و در این جا چند مسأله است.

اول آنکه هر گاه کسی تأخیر کند وقوف را از ظهر به آنکه حاضر نشود در عرفات الا بعد از گذشتن مقداری از ظهر پس بنا بر آنکه گذشت که واجب است وقوف از زوال تا غروب این شخص گناه کار (۴۹) خواهد بود و جمعی برانند که بودن از زوال واجب نیست چنانچه ظاهر بعض اخبار است و اول احوط است.

دویم آنکه هر گاه کسی پیش از غروب از آن جا کوچ کند عمداً و بیرون رود از حدود عرفات پس اگر نادم شد و برگشت و



مانند تا غروب احوط کفاره است و اگر برنگشت واجب است بر او شتری که او را در راه خدا در روز عید در مکه (۵۰) نحر کند و اگر قادر نباشد هیجده روز متوالی روزه بگیرد و اگر سهواً کوچ کرد و بیرون رفت پس اگر متذکر شد مراجعت می کند و اگر نکرد ظاهراً در حکم عامد است (۵۱) و اگر به خاطرش نیاید چیزی بر او نیست و حکم جاهل به مسأله حکم ناسی است.

سیم کسی که بالمزّه و قوف را ترک کند در مدت مذکوره (۵۲) عمداً حجّ او باطل است و کفایت نمی کند درباره ی او و قوف در شب عید که وقوف اضطراری عرفه است اگر چه درباره ی غیر عامد کفایت چنانچه خواهد آمد.

چهارم اگر کسی به سبب عذری مثل نسیان و ضیق وقت و نحو آن ادراک و قوف در جزئی از مدّت مذکوره نکند پس کفایت می کند او را بودن به عرفات در مقداری از شب عید هر چند اندک باشد و این زمان را وقت اضطراری عرفه می گویند و اگر کسی ترک کند او را عمداً پس ظاهر الحاق آن است به وقوف اختیاری عرفه در افساد حجّ هر چند ادراک نماید و قوف مشعر را.

پنجم اگر کسی فراموش کند وقوف به عرفات را در وقت اختیاری و اضطراری کفایت می کند از برای صحت حجّ و ادراک و قوف به مشعر الحرام در زمان اختیار او چنانچه خواهد آمد.

ششم آن که هر گاه در پیش قاضی عامه هلال ثابت شود و حکم کند و در پیش شیعه شرعاً ثابت نشده باشد لهذا روز عرفه نزد عامّه روز هشتم باشد در پیش شیعه پس

اگر ممکن است مخالفت ایشان در بیرون رفتن به سوی عرفات که روز خروج ایشانست از مکه یا ممکن باشد ماندن شب آن روز در عرفات تا فردا که روز عرفه است یا رفتن و برگشتن فردا پیش از زوال (۵۳) به جهت ادراک و قوف اختیاری عرفه یا بعد از زوال یا بعد از غروب آفتاب به جهت ادراک اضطراری آن اگر متمکن نبود از مراجعت قبل از آن پس واجب است که چنین کند تا ادراک و قوف اختیاری یا اضطراری نماید از آنجا به مشعر رفته ادراک آن نیز نماید و اعمال روز عید را در منی به عمل آورد و اگر ممکن نشود ادراک و قوف عرفه اصلاً پس اگر ممکن است ادراک و قوف مشعر الحرام پس آن نیز کفایت می کند و حج صحیح است و الا حج او در آن سال فاسد خواهد بود الحاصل تقیّه در این مقام مصحح عمل نمی شود

علی الاحوط الاقوی (۵۴) والله العالم

### مقصد دوم؛ مستحبات و قوف در عرفات

مقصد دوم:

در مستحبات و قوف عرفات است مستحب است که در وقت و قوف با طهارت باشد و غسل کند و آنچه موجب تفرّق حواس است از خود دور کند تا دل او متوجه جناب اقدس باری شود در این وقت نماز ظهر و عصر را اول وقت به جا آورد به یک اذان و دو اقامه و وقوف کند در دست چپ کوه نسبت به کسی که از مکه آید و در پائین کوه وقوف کند در زمین هموار و با اصحاب خود مجتمع باشند به پهلوی یکدیگر و بعد از نماز بایستند و مشغول دعا شود و مکروه است که بالای کوه رود و آنکه

در حال وقوف سوار باشد یا نشسته اگر تواند ایستادن را و اگر نه هر قدر که می تواند و رو به قبله کند و دل خود را متوجه حق سبحانه و تعالی سازد و حمد و ثنای الهی به جا آورد و تمجید و تهلیل بکند و صد نوبت تکبیر بگوید و الحمد لله صد نوبت و سبحان الله صد نوبت و لا اله الا الله صد نوبت و آیه الکرسی صد نوبت و صلوات بر محمد و آل محمد صد نوبت و سوره انبا انزلنا صد نوبت و لا حول و لا قوه الا بالله صد نوبت و قل هو الله احد صد نوبت بخواند و هر دعائی که می خواهد بکند و سعی بکند در دعا که این روز روز دعا و مسئلت است و هیچ چیز نزد شیاطین خوش تر از آن نیست که تو را غافل سازند از جناب اقدس الهی و پناه گیر به خداوند عالم از شر شیاطین و زنهار که به جانب مردمان نظر نینداز و متوجه خود باش و استغفار بدل و زبان بکن و گناهان خود را بشمار و گریه بکن و اگر نتوانی خود را به گریه به دار و دعا کن از جهت خود و پدر و مادر و برادران مؤمن و اقل آن چهل کس است و در حدیث است که ملکی موکل است که آنچه آن کس به جهت برادر مؤمن بطلبد آن ملک از حق تعالی از برای او صد هزار مثل آن را بطلبد و تمام این زمان را صرف دعا و استغفار و ذکر کند که بعضی از علماء قائل شده اند به وجوب

آن و دعاهاى منقوله را بخواند خصوصاً دعای صحیفه کامله و دعای حضرت اما حسین (ع) و دعای حضرت امام زین العابدین (ع) و سنت است که بگوید:

اللهم انى عبدك فلا تجعلنى من اخبى وفدك و ارحم مسيرى اليك من الفج العميق اللهم رب المشاعر كلها فك ربتي من النار و اوسع على من رزقك الحلال و اذراً عنى شر فسيقه الجن و الأانس، اللهم لا تمكز بى و لا تخدعنى و لا تشد رجلي اللهم انى اسئلك بحولك و جودك و كرمك و منك و فضلك يا اسمع السامعين و يا ابصر الناظرين و يا اسرع الحاسبين يا ارحم الراحمين ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تفعل بى كذا و كذا.

و حاجت خود را نام ببرد پس دست به جانب آسمان بردار و بگو

اللهم حاجتى إليك التى ان أعطيتها لم يضرنى ما منعتنى و ان منعتها لم ينفعنى ما أعطيتنى، أسألك خلاص رقتى من النار اللهم انى عبدك و ملك يدك ناصيتى بيدك و اجلى بعلمك، أسألك ان توفقنى لما يرضيك عنى و ان تسلم منى مناسكى التى اريتها خيلك ابراهيم صلبوات الله عليه و دلت عليها نبيك محمدا ( صلى الله عليه و آله ) اللهم اجعلنى ممن رضيت عمله و اطلت عمره و احيته بعد الموت حيوا طيبه

پس بگو:

«لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد يحيى و يميت و هو حى لا يموت بيده الخير و هو على كل شىء قدير، اللهم لك الحمد كالذى تقول و خيرا مما تقول و فوق ما يقول القائلون، اللهم لك صلاتى و نسكى و محياى و مماتى و لك

تُرَاثِي وَبِعْكَ حَوْلِي وَ مِنْكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنْ وَسَاوِسِ الصَّيْدُورِ وَ مِنْ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيحِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيءُ بِهِ الرِّيحُ وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَ خَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَ فِي سَمْعِي نُورًا وَ فِي بَصِيرَتِي نُورًا وَ فِي لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ عُرْوَتِي وَ مَقْعَدِي وَ مَقَامِي وَ مَدْخَلِي وَ مَخْرَجِي نُورًا وَ أَعْظَمَ لِي نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ أَلْقَاكَ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و تا توانی در این روز از خیرات و تصدقات تقصیر مکن خصوصاً بنده آزاد کردن و دیگر رو به قبله کند و بگوید سبحان الله صد بار و الله اکبر و ماشاء الله لا قوه الا بالله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد يحيى ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير، صد بار پس دو آیه اول سوره بقره را بخواند:

بسم الله الرحمن الرحيم الم ذالك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب و يقيمون الصلوه و مما رزقناهم ينفقون دیگر قل هو الله احد سه نوبت بخواند و آیه الكرسی را بخواند و آیه سخره را بخواند

«إِنَّ رَبُّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ و این در سوره اعراف است پس معوذتین را بخواند پس

نعم

الهی را یک یک بشمارد آنچه داند از اهل و مال و نعمت و رفع بلا و بگوید:

اللهم لك الحمد على نعمائك التي لا تحصى بعدد و لا تكافى به عمل و حمد کند حق سبحانه و تعالی را به هر آیه که در آن حمد کرده است خداوند عالم خود را در قرآن و تکبیر کند به هر تکبیری که خداوند به آن تکبیر خود کرده است در قرآن و تهلیل کند بهر لاله الا الله که حق سبحانه و تعالی تهلیل خود کرده است به آن در قرآن و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرستد و جهد و سعی کند در آن و دعا کند حق سبحانه و تعالی را به هر نام که خود را به آن خوانده است در قرآن و به هر اسمی که داند و باسماء آخر سوره حشر بخواند و بگوید:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَ أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ عِزَّتِكَ وَ جَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَ بِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا وَ بِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرُدَّهُ وَ أَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِي».

و هر حاجت که داری بخواه و از حق سبحانه و تعالی طلب کن که توفیق حج بیابی در سال آینده و هر سالی و هفتاد مرتبه بگوید اسئلك الجنة و هفتاد مرتبه استغفر الله ربی و اتوب اليه بگوید پس بخواند دعائی را که جبرئیل در این مقام به حضرت آدم (ع)

تعلیم نمود برای قبول توبه او سبحانک اللهم و بحمدک لا-اله الا- انت عملت سوء و ظلمت نفسی و اعترفت بذنبی فاغفر لی انک انت خیر الغافرین سبحانک اللهم و بحمدک لا-اله الا- انت عملت سوء و ظلمت نفسی فاعترفت بذنبی فاغفر لی انت التواب الرحیم و چون آفتاب فرو رود بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنْ تَشْتِ الْأَمْرِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ أَمْسَى ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَ أَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ وَ أَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزَّتِكَ وَ أَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سُرِّئِلَ وَ يَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحَمَ جَلَلِنِي بِرَحْمَتِكَ وَ أَلْبَسْنِي عَافِيَتَكَ وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ».

پس روانه به جانب مشعر الحرام شود به آرام تن و استغفار کند و این دعا بخواند

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَ ارْزُقْنِي الْعُودَ أَيَّدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَ أَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَ حَاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَ اجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ وَ أَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَ الْبَرَكَهِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْمَغْفِرَةِ وَ بَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِي أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَ بَارِكْ لَهُمْ فِي» و بسیار بگوید:

«اللَّهُمَّ أَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ».

## فصل سوم؛ وقوف در مشعر الحرام و در آن دو مقصد است.

### مقصد اول؛ واجبات وقوف در مشعر الحرام

مقصد اول در واجبات است بدان که چون از عرفات در شب عید قربان کوچ کند به سوی مشعر الحرام آید در آنجا شب را بروز بیاورد و بعضی این بیتوته را واجب می دانند و نسبت به اکثر داده اند و

این احوط است و نیت چنین کند که شب را بروز می آورم در مشعر الحرام به جهت رضای الهی و چون طلوع فجر شود نیت وقوف کند که می باشم در مشعر الحرام تا طلوع آفتاب در حج تمتع به جهت وجوب آن قر به الی الله و اشهر و احوط وجوب ماندن است تا طلوع آفتاب (۵۵) پس اگر عمدا پیش از طلوع آفتاب بیرون رود از وادی محسر تجاوز کند گناه (۵۶) کار است و بعضی گوسفند کفاره واجب دانسته اند (۵۷) و در اینجا چند مسأله است.

مسأله اول آنکه وقوف به معشر رکن (۵۸) است و مجموع آن متّصف به وجوب پس اگر کسی بالمّرّه او را ترک کند حجّ او باطل است لکن وقوف به مشعر گاهی ساقط می شود در حقّ کسی که شب را در آن جا به روز آورده باشد به قصد وقوف و دشوار باشد بر او ماندن بعد از طلوع فجر مثل زنها و مردان پیر و بیماران که به جهت ازدحام مشقّت بسیار به ایشان روی می دهد یا کسانی که کار ضرور دارند پس جایز است که قبل از طلوع فجر از آنجا بیرون رود به سوی منی و اگر عذر نداشته باشد بعضی (۵۹) گفته اند که اگر بیرون رود پیش از طلوع فجر به شرطی که علاوه بر بیتوته مشعر وقوف عرفه از او فوت نشده باشد باز حجّ او صحیح است و لکن بر او یک گوسفند کفاره لازم است و احوط خلاف آن است.

مسأله دویم آنکه کسی که ادراک نکند وقت مذکور را کفایت می کند در حقّ او ماندن در زمانی قبل از زوال پس وقوف مشعر از



برای او سه وقت است.

یکی در شب عید در حقّ کسانی که متمکن از ماندن در مشعر بعد از طلوع فجر نبوده باشند چنانچه گذشت و دیگری ما بین طلوع فجر و طلوع آفتاب تا زوال.

مسأله سیم آنکه چون معلوم شد که هر یک از وقوف به عرفات و وقوف به مشعر وقت اختیاری و اضطراری دارند پس می گوئیم مکلف به ملاحظه ی ادراک دو موقف یا یکی از آنها در وقت اختیاری یا اضطراری و عدم ادراک از آنها (۶۰) بر نه قسمت:

اول آنکه ادراک هر دو وقوف کند در وقت اختیاری هر دو پس اشکال در صحت حج نیست

دویم آنکه هیچیک را ادراک نکنند پس اشکال نیست در عدم ادراک حجّ پس به همان احرام حجّ عمره مفرده که عبارت از طواف و نماز و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن باشد به جا می آورد و از احرام محلّ می شود و اگر چنانچه گوسفند همراه داشته باشد ذبح می کند و مستحبّ است که بماند در منی با حجّاج و چون به مکه رود افعال عمره را به جا می آورد و در سال آینده حج می کند اگر شرایط مقزّره و جوب حجّ درباره او متحقّق (۶۱) بشود

سیم آنکه ادراک بکند اختیاری عرفه را با اضطراری مشعر

چهارم عکس آن و در هر دو صورت حجّ صحیح است و دعوی اجماع بر صحت در هر دو مسأله شده

پنجم آنکه ادراک کند اضطراری هر دو وقوف را و در صحّه حج در این صورت خلاف است صحه (۶۲) بعید نیست لکن احوط اعاده حجّ است در سال آینده با شرایط و جوب

ششم آنکه ادراک کند اضطراری مشعر

را تنها در اینجا نیز خلاف آنست و عدم صحّت در اینجا اقوی و اشهرست (۶۳)

هفتم ادراک اختیاری عرفه تنها اشهر در این صورت صحّت است بلکه بعضی نفی خلاف در آن کرده اند لکن حکم به آن مشکل و خلاف در آن متحقّق است

هشتم آنکه ادراک کند اختیاری مشعر را ظاهر در این صورت صحّت است و ظاهر عدم خلافت در آن نهم اضطراری عرفه را ادراک کند تنها و حجّ در این صورت صحیح نیست.

### مقصد دوّم؛ مستحباب وقوف در مشعر الحرام

مقصد دوّم در مستحباب وقوف به مشعر الحرام است بدان که سنّت است که متوجّه مشعر الحرام شود به آرام تن و دل و استغفار کند و چون به تلّ سرخ رسد از جانب دست راست راه بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي وَ زِدْ فِي عَمَلِي وَ سَلِّمْ لِي دِينِي وَ تَقَبَّلْ مِنِّي مَنَاسِكِي» و شهید در دروس فرموده که بعد از این دعا بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَ ارْزُقْنِيهِ ابداً ما ابقیتنی

و شتر را تند نراند و کسی را آزار نرساند در حال راندن و بسیار بگوید:

«اللَّهُمَّ اَعْتِقْ رِقَبَتِي مِنَ النَّارِ»

و نماز شام و خفتن را تأخیر کند تا مشعر الحرام و اگر چه ثلث شب بگذرد و اگر مانعی بهم رسد که نتواند پیش از نصف شب رسد نماز را ادا بکند و جمع کند میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه و نوافل شام را در میان نکند بلکه بعد از خفتن بکند و احوط آن است که چون به مشعر الحرام آید نیت کند که شب را به روز می آورم در مشعر الحرام در حجّ تمتّع از جهت رضای خدا و

پیش گذشت که اظهر و احوط و جوب شب ماندن به معشر است و مستحب است که در شکم وادی فرود آید در جانب راست راه و این دعا بخواند اللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ اَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللّهُمَّ لَا تُؤَيِّسِنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ اَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي ثُمَّ اَطْلُبُ مِنْكَ اَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ اَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَ اَنْ تُقَيِّنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ».

و تا مقدور باشد ان شب را به عبادت و طاعت الهی بروز آورد که در خبر است که درهای آسمان در این شب بسته نمی شود و آوازهای مؤمنان بالا می رود و خداوند عالم می فرماید من خداوند شمایم و شما بندگان من هستید ادا کردید حق مرا و بر من لازم است که اجابت نمایم دعاهاى شما را پس بعضی از ایشان را تمام گناهان میامرزد و بعض را بعضی می آمرزد و سنت است که هفتاد سنگ ریزه برای رمی جمرات در این شب از اینجا بر دارد و سنت است که غسل کند و با وضوء باشد در حال وقوف و دعاهاى منقوله از ائمه را بخواند حمد و ثنای الهی را به جا بیاورد و این دعا نیز بخواند

«اللّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكَّرْتَنِي مِنَ النَّارِ وَ اَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَ الْاِنْسِ، اللّهُمَّ اَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ اِلَيْهِ وَ خَيْرُ مَدْعُوٍّ اِلَيْهِ وَ خَيْرُ مَسْئُولٍ وَ لِكُلِّ وَاوَدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْضِعِي هَذَا اَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ تَقْبَلَ مَعْدِرَتِي وَ اَنْ تُجَاوِزَ عَنِّ حَاطِيَّتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي وَ تَقْلِبْنِي مَفْلِحًا مَنجِحًا مُسْتَجَابًا لِي بِافْضَلِ مَا يَرْجَعُ بِهِ

احد من وفدك و زوار بيتك الحرام و دعا بسيار کند برای خود و پدر و مادر و برادران و اهل و مال و فرزندان و بعضی قائل به وجوب دعا شده اند و بهتر آن است که غیر از امام پیش از طلوع آفتاب از آنجا روانه شوند اما از وادی محسّر تجاوز نکند تا آفتاب طلوع نکند و چون آفتاب به کوه ثبیر افتد هفت مرتبه اعتراف به گناهان خود کند و هفت مرتبه استغفار کند و چون روانه شود با ذکر و استغفار و سکینه و وقار برود و چون بوادی محسّر برسد تند برود و مانند شتر اگر پیاده باشد و اگر سواره باشد تند براند راحله خود را و اگر فراموش کند هروله را برگردد و تدارک کند و بگوید در وقت هروله اللهم سلم عهدی و اقبل توبتی و اجب دعوتی و اخلفنی بخیر فیمن ترک بعدی و بگوید رب اغفر و ارحم و تجاوز عما تعلم انک انت الاعز الاکرم.

## فصل چهارم؛ واجبات منی

فصل چهارم در واجبات منی است بدان که واجبست بر مکلف بعد از کوچ از مشعر الحرام در روز عید برگشتن به سوی موضعی که او را منی گویند و در آن سه امر واجب است.

اول:

رمی جمره عقبه یعنی انداختن سنگ ریزه به سوی جمره که اسم موضعیت که محل رمیست و وقت آن بعد از طلوع آفتاب روز عید است تا غروب آن و اگر فراموش کند تا روز سیزدهم به جا آورد و اگر متذکر نشد در سال آینده خود او یا نایب او به جا آورد و شرط است در سنگریزه با وجود صدق اسم سنگ

بر آنها آنکه از حرم بوده باشد از هر موضعی از آن که باشد خوب است اگر چه مستحب است که شب در مشعر آنها را بردارد و آنکه باکره باشد یعنی آنها را کسی نینداخته باشد انداختن صحیحی و واجب است در رمی چند امر اول نیت کند که می اندازم هفت سنگ به جمره عقبه در حج تمتع لوجوبه قربه الی الله تعالی.

دویم انداختن آنها پس اگر سنگ را در جمره گذارد به طوری که رمی صدق نکند مجزی نخواهد بود.

سیم آنکه به جمره برسد به واسط رمی پس اگر به جای دیگر بخورد و از آنجا به جمره برسد یا بواسطه انسان دیگر یا حیوانی برسد مجزی نخواهد بود و اگر شک کند بنا را بر نرسیدن می گذارد.

چهارم آنکه عدد سنگ که می اندازد هفت باشد.

پنجم آنکه آنها را یک دفعه نیندازد هر چند متعاقب بر خورند به جمره بلکه واجب است که متعاقب بیندازد هر چند یک دفعه به جمره برخوردند و بدان که مستحب است که سنگ ریزها رنگین باشند به رنگ سرمه یا رنگ دیگر و نقطه دار باشند و یک یک برچیده باشند و سست باشد نه سخت و به قدر سر انگشت باشند و مستحب است که در وقت سنگ انداختن پیاده باشد و سواره نباشد و با وضوء باشد و بعضی از علماء به وجوب طهارت قائل شده اند و چون سنگ را در دست داشته باشد این دعا را بخواند

«اللَّهُمَّ ان هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأُحْصِيَنَّ لِي وَارْفَعُهُنَّ فِي عَمَلِي» و هر سنگریزه که بیندازد این دعاء بخواند

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنَّةِ

نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا وَ عَمَلًا مَقْبُولًا وَ سَعْيًا مَشْكُورًا وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا» و میانه او و جمره ده ذراع یا پانزده ذراع فاصله باشد و پشت به قبله کند و روی به جمره و آن که سنگریزه را بر انگشت بزرگ بگذارد با ناخن انگشت شهادت بیندازد و چون به جای خود آید در منی سنت است که این دعا بخواند

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَيَنْعَمَ الرَّبُّ وَ نِعَمَ الْمَوْلَى وَ نِعَمَ النَّصِيرِ».

واجب دوم:

بر حاج متمتع از واجبات منی ذبح هدیست بدان که واجبست بر هر حاج متمتع ذبح یک هدی واحد از برای چند نفر کفایت نمی کند علی الاظهر الاحوط و اگر قادر بر خریدن هدی نباشد ده روز روزه می گیرد سه روز در حج و هفت روز بعد از مراجعت و اگر هدی یافت نشود قیمت آن را پیش معتمدی می گذارند که در بقیه ماه ذی الحجه بگیرد و ذبح کند و اگر میسر نشود در این سال در سال آینده بگیرد اگر چه احوط جمع بین هدی ناقص است اگر یافت شود و هدی تام در سال آینده و احوط (۶۴) از آن آنست که جمع کند میانه آن و صوم ده روز و اگر فراموش کند ذبح را در روز عید یا عذر دیگر باشد تأخیر آن تا آخر ایام تشریق بلکه آخر ذی الحجه جایز است و واجب است در هدی که یا شتر باشد یا گاو یا گوسفند بوده باشد و اگر شتر باشد پنج ساله باشد داخل در شش (۶۵) و اگر گاو باشد احوط آن است

که دو ساله داخل در سه سال باشد و گوسفند اگر میش باشد هفت ماهه داخل در هشت و احتیاط (۶۶) آنکه یک سال تمام داخل در سال دوّم شده باشد و اگر بز باشد احوط دو ساله داخل در سه سال است و شرط است که صحیح و تامّ الاجزاء باشد پس کور و لنگ و بسیار پیر و ناخوش مجزی نیست حتی آنکه اگر قلیلی از گوش او بریده باشند یا آنکه از شاخ اندرونی او چیزی ناقص است مجزی نیست و آنکه لاغر نباشد و مشهور آنست که کفایت می کند همین قدر که در گردهای آن پیه باشد و احوط آنست که علاوه بر این او را در عرف لاغر نگویند و باکی نیست اگر گوش او شکافته یا سوراخ باشد اگر چه احوط (۶۷) ترک این دو و ترک حیوانی که شاخ یا گوش یا دم از برای او در اصل خلقت نباشد و هم چنین آن حیوان که عروق و بیضتین او را مالیده باشند که او را موجو و مرضوض الخصیتین گویند و اما خصّی پس اظهر و اشهر عدم اجزاء آنست و اگر حیوانی را خرید و ذبح کرد به گمان آنکه صحیح است پس ناقص بیرون آمد مجزی نیست و اگر به گمان چاقی ذبح کرد و لاغر در آمد کافیست و همچنین اگر با ظنّ لاغری ذبح کرد به امید آنکه چاق باشد و مطابق مطلوب خداوند عالم جلّ ذکراه باشد و بعد از آن چاق در آمد اما اگر احتمال چاقی نمی داد یا احتمال می داد لکن نه به امید چاقی و موافقت واجب الهی بلکه

از روی بی‌مبالاتی ذبح کرد پس ظاهر این است که مجزی نیست (۶۸) و بدان که احوط آن است که قدری از ذبیحه بخورند و قدری به هدیه دهند و قدری به صدقه دهند و احوط آنست که مقدار هر یک از هدیه و صدقه ثلث ذبیحه باشد و آن که هدیه و صدقه بر مومنین بوده باشد بنا بر این ذبایحی که در این اوقات در منی کشته می‌شود غالباً بلکه دائماً طایفه سودانی که در آن حوالی هستند می‌گیرند دادن به ایشان جایز نیست چرا که ایمان بلکه اسلام ایشان معلوم نیست

پس اولاً قلیلی از آن به جهت خود بردارد و بعد از آن به شخص فقیر مؤمنی از حجّاج ثلث آن را تصدق کند و ثلث آن را به بعضی برادران خود هدیه دهد هر چند که حصّه هر یک را جدا نکرده باشند آن وقت صاحب صدقه و هدیه اگر تصدق کند بر آن طایفه سودان غیب ندارد و اگر اتفاق افتد بیش از این احتیاطات آن طایفه ذبیحه را ببرند به طریق دزدی یا نهب (غارت) موجب بطلان ذبح هدیه و وجوب اعاده آن نمی‌شود بلی اگر به اختیار خود بدهد احوط ضمان حصّه فقراء است و بدان که کسی که قادر بر هدیه نشود ده روز روزه (۶۹) می‌گیرد سه روز متوالی در حجّ از روز هفتم تا روز نهم و اگر روز هفتم نشود روز هشتم و نهم را می‌گیرد و یک روز بعد از مراجعت از منی اگر چه احوط در این صورت آنست که سه روز بعد از مراجعت از منی که اول آن سه



روز روز کوچ باشد با مراعات توالی روزه بدارد و قصد ادای تکلیف واقعی خود را به سه روز در ضمن مجموع پنج روز نماید و اگر روز هشتم را نگرفت روز نهم را نگیرد بلکه صبر کند تا بعد از مراجعت از منی و احوط مبادرت به آنهاست اگر چه اشهر آن است که در تمام ذی الحجه می شود به جا آوردن و امّا هفت روز دیگر پس بعد از رسیدن به خانه ی خود و احوط توالیست در آنها اگر چه وجوب آن معلوم نیست و اگر بعد از روزه سه روز متمکن از هدی شود احوط ذبح هدیست و امّا مستحبات هدی پس مستحب است که شتر باشد بعد از آن گاو و بعد از آن گوسفند و آنکه بسیار فربه باشد و آنکه اگر شتر یا گاو کشد ماده باشد و اگر گوسفند یا بز باشد نر باشد

و مستحب است که شتر را که می خواهد نحر کند ایستاده و از سر دستها تا زانوی آن بسته باشد و از جانب راست او بایستد و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد در وقت ذبح یا نحر این دعا بخواند و جهت وجهی للذی فطر السموات و الارض حنیفاً مسلماً و ما انا من المشرکین ان صلواتی و نسکی و محیای و مماتی الله رب العالمین لاشریک له و بذالك امرت و انا من المسلمین اللهم منک و لک بسم الله و بالله و الله اکبر اللهم تقبل منی و در بعض روایات وارد شده این تتمه اللهم تقبل منی كما تقبلت عن ابراهیم خلیلک و موسی کلیمک و محمد

حسبک صلی الله علیه و اله و علیهم و سنت است که خود قربانی را بکشد و اگر نداند دست بالای دست کشنده نهد.

واجب سیم حلق است یا تقصیر یعنی سر تراشیدن یا از شارب و ناخن گرفتن است در باره مردان اگر چه احوط از برای کسی که موی سر خود را به غسل یا صمغ و نحو اینها به جهت رفع شپش و نحو آن چسبانیده باشد و کسی که موی خود را جمع کرده و گره زده و درهم پیچیده و بافته باشد بلکه از برای هر کسی که حجّ اوّل او باشد اختیار حلق است و عدم اکتفاء به تقصیر و درباره ی زنان و خنثی سر تراشیدن جایز (۷۰) نیست و نیت چنین کند که سر می تراشم یا مو یا ناخن می گیرم در فرض حجّ تمتّع لوجوبه قربۀ الی الله و بهتر آن است که دلاک نیز نیت کند و چون حاج حلق یا تقصیر نمود حلال می شود از برای او همه ی آنچه حرام شده بود در احرام مگر زن و صید و بوی خوش و بدان که ترتیب در میانه رمی و ذبح و حلق لازم است علی الاشهر الاحوط و اگر مخالفت کرد و ثانی را مقدم بر اوّل یا ثالث را مقدم بر ثانی یا اوّل به جا آورد پس اگر از روی فراموشی بوده باشد ضرر ندارد و اگر عمداً بوده باشد پس مشهور نیز عدم وجوب اعاده است و در دلیل آن تأملی هست و اگر احتیاط ممکن باشد ترک نکند و بدان که اگر حلق یا تقصیر را در روز عید فراموش کند تا بیرون

رود از منی واجب است مراجعت از برای حلق و اگر ممکن نشود در جای خود حلق می کند و موی خود را در منی می فرستد اگر ممکن شود و در صورت مراجعت خود به منی بعد از حلق واجب است (۷۱) اعاده طواف و مستحب است که در وقت سر تراشیدن رو به قبله کند و ابتداء از جانب راست پیش سر بکند و این دعا بخواند:

اللهم اعطنی بكل شعره نورا یوم القیمه و سنت است که موی سر را دفن کند در منی در محلّ خیمه ی خود و احوط آنست که از اطراف سر و ریش و شارب مو بگیرد و ناخنها را بگیرد.

## **فصل پنجم؛ واجبات و مستحبات بعد از منی و در آن دو مقصد است.**

### **مقصد اول؛ در آنچه واجب است بعد از اداء مناسک منی**

مقصد اول در واجبات است بدان که واجب است مراجعت به مکه از برای طواف زیارت و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن و جایز است از برای حاج متمتع تأخیر مراجعت تا روز یازدهم و در جواز تأخیر از روز یازدهم خلاف است احوط عدم تأخیر است اگر چه جواز تاخیر تا بعد از ایام تشریق بلکه تا تمام ذی الحجّه بعید نیست و بدان که جایز نیست تقدیم طواف و سعی پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منی مگر از برای کسی که به جا آوردن آنها بعد از مراجعت به مکه به جهت او میسر نباشد مثل آنکه زن گمان حیض و نفاس در آن زمان داشته باشد و مرد پیر عاجز نتواند بعد از مراجعت مردم از منی طواف کند به جهت ازدحام در این صورتها اظهر جواز تقدیم طواف و سعیست بر وقوف به عرفات و مشعر و منی

و بعضی در این صورت نیز منع کرده اند پس احوط آن است که صاحب عذر تقدیم کند و بعد از آن اگر ممکن شود اعاده آن در ایام تشریق کند و الا در باقی ماه ذی الحجّه اعاده نماید و اگر می داند که در تمام ماه ممکن نمی شود پس بی اشکال تقدیم واجب است لکن احوط استنباطه است نیز و اما کیفیت طواف زیارت و نماز آن و سعی پس همان نسبت که در عمره گذشت و بعد از به جا آوردن این طواف و نماز آن و سعی ما بین صفا و مروه حلال می شود از برای او از آنچه حرام مانده بود بر او بعد از حلق بوی خوش و می ماند بر او از محرمات صید و زن و بعضی گفته اند به مجرد طواف و نماز آن بوی خوش حلال می شود و اول احوط و اقویست و بعد از طواف النساء و نماز آن که در کیفیت مثل طواف و نماز سابق است حلال می شود زن و صید احرامی یعنی آنچه به جهت احرام حرام است بر او از صید و اما حرمت صید حرم پس آن نه از جهت احرام است و احوط اجتناب از بوی خوش است قبل از طواف النساء اگر چه اقوی جواز است پس شخص حاج متمتع سه مرتبه به تدریج محرمات احرام بر او حلال می شوند مرتبه اولی بعد از حلق مرتبه دوّم بعد از سعی ما بین صفا و مروه سیّم بعد از نماز طواف النساء و بعضی تحلیل را موقوف به نماز ندانسته اند و اوّل اقوی و احوط است و بدان که طواف النساء هر چند

که واجیست و بدون او زن حلال نمی شود الا آنکه معروف ما بین علماء آنست که از ارکان حج نیست پس ترک آن عمداً مثل ترک طواف زیارت یا طواف عمره نیست که باعث فساد حج یا عمره شود بلکه واجب است بر تارک آنکه او را به جا آورد تا او را به جا نیاورد زن بر او حلال نمی شود حتی عقد کردن و شهادت دادن بر آن علی الاحوط.

### مقصد دوم؛ مستحبات طواف زیارت و سعی و طواف نساء

مقصد دوم در مستحبات طواف زیارت و سعی و طواف نساء است بدان که بهتر آنست که با تمکن همان روز عید از منی بعد از مناسک ثلاثه مراجعت کند به مکه و اگر نشد فردای آن روز و احوط عدم تأخیر است از فردای آن روز مگر به جهت عذر و سنت است که غسل کند و متوجه مسجد الحرام شود یا ذکر و تمجید و تعظیم الهی و صلوات بفرستد بر محمد و آل محمد (ص) و چون به در مسجد آید این دعا بخواند

«اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى نُسُكِي وَ سَيِّمْنِي لَهُ وَ سَيِّمْنِي لِي اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَ أَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ اني عَيْدُكَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتِكَ وَ أُوْمُّ طَاعَتِكَ مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

پس به نزد حجرالاسود بیاید و استلام و تقبیل نماید و آنچه در طواف عمره به جای آورده به جا بیاورد و تکبیر بگوید و نیت کند و طواف کند هفت شوط به نهج مذکور

در طواف عمره و آداب این طواف و نماز آن وسعی و طواف نساء چنان است که سابقاً در طواف و سعی عمره مذکور شد.

### فصل ششم؛ بیتوته در منی در شبهای تشریق

فصل ششم در بیان خوابیدن است به منی در شبهای تشریق بدان که هر گاه حاج در روز عید به مکه رود به جهت طواف و سعی واجب است بر او که بر گردد به سوی منی به جهت آنکه بیتوته کند یعنی شب به سر بردن در شب یازدهم و دوازدهم در منی واجب است و شب سیزدهم نیز واجبست بر کسی که در احرام از زن یا صید پرهیز نکرده و بر کسی که این دو را در احرام اجتناب کرده لازم نیست و جایز است از برای او نفر یعنی کوچ کردن در روز دوازدهم بعد از زوال شمس و اگر اتفاقاً در آن روز ماند تا شب داخل شد ماندن در آنجا نیز لازم است و هم چنین رمی در فردا که سیزدهم است و واجب است در بیتوته نیت کردن بعد از دخول وقت شام و حدّ شب که به سر بردن او لازم است تا ما بعد نصف شب است پس اگر بعد از نصف شب از آنجا بیرون رود عیب ندارد و احوط آن است که پیش از طلوع فجر داخل مکه نشود و کسی که ترک کند بیتوته را به منی واجب است بر او از برای هر شبی یک گوسفند که او را بکشد و احوط الحاق ناسی و جاهل است بعامد در وجوب گوسفند و همچنین الحاق معذور به مختار هر چند گناهی نیست بر معذور و آن کسیست که

عذری دارد مانع از بیتوته مثل بیمار و بیمارپرست و کسی که خوف بردن مال خود را دارد از مکه اگر بیاید به منی و مثل شبان گوسفند و کسانی که سقایت حاج در دست ایشان است و ظاهر علماء عدم وجوب فدیة گوسفند است بر دو فرقه اخیره و مثل ایشان است کسی که شب را در مکه به عبادت احیا کند و مشغول غیر عبادت نباشد مگر امور ضروریّه مثل اکل و شرب و تجدید وضوء و مستحبّ است که چون از مکه مراجعت کند به منی بگوید:

اللهم بك و ثقت و بك امنت و لك اسلمت و عليك توكلت فنعم الرب و نعم المولى و نعم النصير.

## **فصل هفتم؛ رمی جمرات ثلث و در آن دو مقصد است.**

### **مقصد اول؛ واجبات رمی جمرات ثلث در ایام تشریق**

مقصد اول در واجبات است بدان که واجب است در این ایام رمی جمرات ثلث که جمره اولی باشد و جمره وسطی و جمره عقبه به ترتیب پس اگر مخالفت ترتیب کند اعاده کند آنچه را که در غیر مرتبه خود کرده بلی اگر چهار سنگ بر جمره انداختم و آن را ترک نموده و مشغول دیگری شد کفایت می کند در ترتیب و سه سنگرا بعد از آن می زند اگر چه احوط (۷۲) در اینجا نیز اعاده است و واجبات رمی همان است که در مناسک منی مذکور شد و کسی که فراموش کند آنها را بر می گردد از مکه به جهت آنها و اگر متذکر نشد تا بعد از خروج قضا می کند در سال آینده به خود یا نایب و کسی که مریض باشد و مأیوس باشد از تمکن در وقت خود به عوض او رمی می کند و اگر صحیح شد اعاده لازم نیست

اگر چه احوط است در صورت عروض قدرت در وقت و اگر بشود مریض سنگ را به دست بگیرد که دیگری بیندازد او را و اگر کسی عمداً ترک رمی کند حج او فاسد نمی شود علی الاشهر الاقوی و بعضی فرموده اند که احوط قضاء حج است در سال دیگر و بدان که جایز نیست که در شب رمی کند از برای روز گذشته یا از برای روز آینده مگر کسی که عذر داشته باشد که در روز رمی ممکن نشود پس شب آن روز می کند و اگر کسی فراموش کند رمی را تا روز دیگر اول قضای رمی سابق را می کند بعد از آن واجب آن روز را به جا می آورد

### مقصد دوم؛ اعمال مستحبّه در منی

مقصد دوم در اعمال مستحبّه در منی است در روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم بدان که مستحب است که در این سه روز از منی بیرون نرود حتی به جهت طواف مستحب و آنکه در جمره اولی و وسطی رو به قبله کند و جمره را به دست راست گیرد و حمد و ثنای الهی به جا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد پس اندکی پیش رود و دعا کند و بگوید:

اللهم تقبل منی پس پیشتر رود اندکی و دعای سابق در وقت رمی را بخواند و رمی کند و در وقت رمی الله اکبر بگوید و در رمی جمره عقبه پشت به قبله کند و تکبیر در منی مستحب است بنا بر مذهب مشهور میانه علماء و بعضی او را واجب دانسته اند و احوط آنست که ترک نکند در منی و غیر آن و در منی عقب پانزده نماز



بگوید و کیفیت آن بنا بر مشهور این است:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَوْلَيْنَا وَ رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَ  
در بعضی از اخبار بعد از تکبیر سیم و لله الحمد الله أكبر علی ما هدانا الله أكبر علی ما رزقنا من بهیمه الأنعام و در بعضی از  
روایات همین است به زیادتى الحمد لله على ما ابدانا و اگر در روز دوازدهم هم کوچ کرد از منى سنت است که بیست و یک  
سنگ ریزه را در منى دفن کند

و مستحب است که در این ایام نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف به جا آورد و در حدیث است که هر که در  
مسجد خیف صد رکعت نماز بگذارد پیش از آنکه از آنجا بیرون رود برابر است با عبادت هفتاد سال و هر که صد مرتبه  
سبحان الله بگوید بنویسد از برای او ثواب بنده آزاد کردن و هر که صد مرتبه لا اله الا الله بگوید برابر است با ثواب زنده  
کردن شخصی و هر که صد مرتبه الحمد لله بگوید برابر است با خراج عراقین که در راه خداوند عالم تصدق کند.

خاتمه در طواف وداع و سایر مستحبات است تا زمان خروج از مکه معظمه و ورود به مدینه منوره بدان که مستحب است  
مراجعت از منى به مکه به جهت طواف وداع هر گاه طواف واجب و سعی و طواف نساء را پیشتر کرده و پیش از کوچ شش  
رکعت نماز در مسجد خیف بکند و چون در مکه رود سنت است که

داخل خانه ی کعبه شود خصوصاً کسی که تازه حج کرده است و در حدیث است که داخل شدن در کعبه داخل شدن است در رحمت خدا و بیرون رفتن بیرون رفتن است از گناهان و خداوند عالم نگاه می دارد او را از گناهان در بقیه عمر و می آمرزد گناهان گذشته او را و سنت است که به جهت دخول خانه غسل کند و پای برهنه داخل شود و پیش از دخول هر دو حلقه در را بگیرد و بگوید اللهم البیت بیتک و العبد عبدک و قد قلت و من دخله کان امناً فامنی من عذابک و اجرنی من سخطک پس داخل شود و بگوید:

اللهم انک قلت و من دخله کان امناً اللهم فامنی من عذاب النار.

پس دو رکعت نماز گذارد در میان دو ستون بر سنگ سرخ و در رکعت اولی حم السجده بخواند و در رکعت دوم به عدد آیات آن از قرآن و در گوشه های کعبه نیز نماز گذارد پس به رکنی آید که در آنجا حجرالاسود است و شکم خود را بر او مالد پس دور ستون بگردد و شکم و پشت خود را به آن ستون بمالد و چون خواهد بیرون آید نردبان را به دست چپ بگیرد و نزدیک کعبه دو رکعت نماز کند و بدان که مستحب است بسیار طواف کردن و آن دربارہ ی حجّاج از نماز نافله افضل است و طواف به نیابت مؤمنین بسیار ثواب دارد و به نیابت حضرت پیغمبر (ص) و حضرت فاطمه (س) و دوازده امام (ع) ثواب عظیم دارد و در خبر صحیح آمده که مستحب است که شخص در مکه سیصد و

شصت طواف کند به عدد ایام سال و اگر نتواند سیصد و شصت شوط و آن پنجاه و یک طواف و سه شوط می شود و آن را به جهت اتمام عدد ایام سال تمام می کند به چهار شوط دیگر که پنجاه و دو طواف می شود

و مستحب است ختم قرآن مجید در مکه معظمه در حدیث است که هر که ختم قرآن کند در آنجا از دنیا نرود تا به بیند حضرت رسول (ص) را و به بیند منزل خود را در بهشت و مستحب است در مکه مشرف شدن به موضع تولد حضرت رسول (ص) و در منزل خدیجه و زیارت قبر ابیطالب (ع) و رفتن به غاری در حرا حضرت رسول (ص) در اوایل بعثت عبادت کرده بود و در آنجا و بغاری که در کوه ثور است که حضرت رسول (ص) در آنجا مخفی شده و بدان که مستحب است از برای کسی که در مکه می ماند اتیان به عمره مفرده و در اعتبار فاصله میان آن و عمره که پیش به جا آورده خلاف کرده اند جمعی کثیر از علماء بر آنند که احتیاج به فاصله ندارد و جمعی لازم دانسته اند فاصله یک ماه را و بعضی یک سال را و بعضی کافی دانسته اند فاصله ده روز را و این قول خالی از قوه نیست اگر چه احوط آنست که در غیر فاصله یک سال رجاء به جای آورد و احرام عمره مفرده از اقرب اطراف حرم است به مکه معظمه و الا این معروف است و بعد از احرام طواف و نماز آن و سعی و تقصیر می کند و همه چیز از برای او

حلال می شود مگر زن و چون طواف نساء را که در عمره مفرده لازم است به جا آورد زن نیز حلال می شود

و سنت است که چون خواهد از مکه بیرون رود غسل کند و طواف وداع به جا آورد و در هر شوطی دست یا بدن به حجرالاسود و رکن یمانی برساند و چون به مستجار رسد دعاهای سابق را بخواند پس بتزد حجرالاسود بیاید و شکم خود را به خانه بساید و یک دست به حجرالاسود گذارد و دست دیگر به جانب خانه بگشاید و حمد و ثنای الهی به جا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و سنت است که از باب حنّاطین بیرون برود که مقابل رکن شامیست و آنکه عزم می کند بر مراجعت و از خداوند عالم طلب توفیق مراجعت کند و در وقت بیرون رفتن یک درهم خرما بگیرد و تصدّق کند بر فقراء به جهت احتمال صدور بعض محرمات در حال احرام از او غفله مثل شپش و نحو آن و از جمله مستحبات مؤکد است مراجعت از مدینه طیبه برای ادراک زیارت حضرت پیغمبر (ص) و ائمه بقیع صلوات الله علیهم در حدیث وارد شده که ترک زیارت آن حضرت بعد از حج جفاست بر آن حضرت و فقنا الله و جمیع المؤمنین بزیارته بجاهه و آله الطاهرین.

### آداب زیارت مدینه منوره

در آداب زیارت مدینه منوره اما:

زیارت حضرت رسول (ص) شیخ کفعمی فرموده چون خواستی داخل شوی به مسجد حضرت رسول (ص) یا در یکی از مشاهد مشرفه ائمه علیهم السلام

پس بگو

اللهم انی وقفت علی باب من ابواب بیوت نبیک صلواتک علیه و آله و قد منعت الناس ان

تدخلوا إلا بإذنه، فقلت: (يا أيها الذين آمنوا لا تدخلوا بيوت النبي إلا أن يؤذن لكم) اللهم اني اعتقد حرمه صاحب هذا المشهد الشريف في غيبته كما اعتقدها في حضرته و اعلم ان رسولك و خلفائك عليهم السلام احياء عندك يرزقون، يرون مقامي و يسمعون كلامي و يردون سلامي و انك حجبت عن سمعي كلامهم و فتحت باب فهمي به لذيذ مناجاتهم فاني استأذنك يا رب أولاً، و استأذن رسولك صلواتك عليه و آله ثانياً و استأذن خليفتك الإمام المفترض على طاعته فلان بن فلان به جای فلان بن فلان نام آن امامی را که زیارت کند و هم چنین نام پدرش را ببرد مثلاً اگر در زیارت امام حسین (ع) است بگوید الحسين بن علی (ع) و هكذا

پس بگوید:

و الملائكة الموكلين بهذه البقعة المباركة ثالثاً ادخل يا رسول الله ادخل يا حجه الله ادخل يا الملائكة الله المقربين المقيمين في هذا المشهد فاذن لي يا مولاي في الدخول افضل ما اذنت لاحد من اوليائك فان لم اكن اهلا لذلك فانت اهل لذلك پس ببوس عتبه مبارکه را و داخل شود و بگو بسم الله وبالله، وفي سبيل الله، وعلی مله رسول الله، (ص) اللهم اغفر لي و ارحمني و تب علی انک انت التواب الرحيم اما كيفيت زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس چنین است هر گاه وارد شدی مدینه پیغمبر (ص) پس غسل کن برای زیارت و چون خواستی داخل مسجد آن حضرت شوی بایست نزد در و بخوان آن اذن دخول سابق را و داخل شو از در جبرئیل و مقدم بدار پای را ست را در وقت دخول پس صد

مرتبه الله اكبر بگو پس دو ركعت نماز تحيت مسجد بگذارد و برو به سمت حجره شريفه و دست به مال بر آن و بيوس آن را و بگو:

السلام عليك يا رسول الله السلام عليك يا نبي الله السلام عليك يا محمد بن عبد الله السلام عليك يا خاتم النبيين اشهد انك قد بلغت الرساله و اقامت الصلوه و اتيت الزكوه و امرت بالمعروف و نهيت عن المنكر و عبدت الله مخلصا حتى اتيك اليقين فصلوات الله عليك و رحمته و على اهل بيتك الطاهرين. پس بایست نزد ستون پیش که از جانب راست قبر است و رو به قبله که دوش چپ به جانب قبر باشد و دوش راست به جانب منبر که آن موضع سر رسول خدا صلی الله علیه و آله است و بگو اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله و اشهد انك رسول الله و انك محمد بن عبد الله و اشهد انك قد بلغت رسالات ربك و نصحت لامتك و جاهدت في سبيل الله و عبدت الله حتى اتيك اليقين بالحكمه و المواعظه الحسنه و اديت الذي عليك من الحق و انك قد روفت بالمومنين و غلظت على الكافرين فبلغ الله بك افضل شرف محل المكرمين الحمد لله الذي استنقذنا بك من الشرك و الضلاله اللهم فاجعل صلواتك و صلوات ملائكتك المقربين و انبيائك المرسلين و عبادك الصالحين و اهل السموات و الارضين و من سبح لك يا رب العالمين من الاولين و الاخرين على محمد عبدك و رسولك و نبيك و امينك و نجيك و حبيبك و صفيك و خاصتك و صفوتك

و خیرتک من خلقک اللهم اعطه الدرجه الرفیعه و اته الوسيله من الجنه و ابعثه مقاما محمودا یغبطه به الاولون و الاخرون اللهم انک قلت ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاوک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما و انی اتیتک مستغفرا تائباً من ذنوبی و انی اتوجه بک الی الله ربی و ربک لیغفر لی ذنوبی

و اگر ترا حاجتی باشد بگردان قبر مطهر را در پشت کتف خود و رو به قبله کن و دستها را بردار و حاجت خود را به طلب به درستی که سزاوار است که برآورده شود انشاء تعالی

زیارت حضرت فاطمه (س)

پس زیارت کن حضرت فاطمه (س) را از نزد روضه مطهره و مستحب است که بگوید السلام علیک یا بنت رسول الله السلام علیک یا بنت نبی الله السلام علیک یا بنت حبیب الله السلام علیک یا بنت خلیل الله السلام علیک یا بنت صفی الله السلام علیک یا بنت امین الله السلام علیک یا بنت خیر خلق الله السلام علیک یا بنت افضل انبیاء الله و رسله و ملائکته السلام علیک یا بنت خیر البریه السلام علیک یا سیده نساء العالمین من الاولین و الاخرین السلام علیک یا زوجه ولی الله و خیر خلقه بعد رسول الله السلام علیک یا ام الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنه السلام علیک یا ایته الصدیقه الشهیده السلام علیک ایته الرضیه المرضیه السلام علیک ایته الفاضله الزکیه السلام علیک ایته الحوراء الانسیه السلام علیک ایته التقیه النقیه السلام علیک ایته المحدثه العلیمه السلام علیک ایته المظلومه المغضوبه السلام علیک ایته المضطهده المقهوره السلام علیک یا فاطمه بنت رسول الله و رحمه

الله و بركاته صلى الله عليك و على روحك و بدنك اشهد انك مضيت على بينه من ربك و ان من سررك فقد سر رسول الله صلى الله عليه و آله و من جفاك فقد جفا رسول الله صلى الله عليه و آله و من اذاك اذى رسول الله صلى الله عليه و اله و من وصلك فقد وصل رسول الله صلى الله عليه و آله و من قطعك فقد قطع رسول الله صلى الله عليه و آله لانك بضعه منه و روحه الذى بين جنبيه اشهد الله و رسله و ملائكته انى راض عن رضيت عنه ساخط على من سخطت عليه متبرء ممن تبرئت منه موال لمن واليت معاد لمن عاديت مبغض لمن ابغضت محب لمن احببت و كفى بالله شهيدا و حسيبا و جازيا و مثيبا. پس صلوات مى فرستى بر حضرت رسول وائمه اطهار عليهم السلام.

زيارت ائمه بقیع عليهم السلام یعنی حضرت امام حسن مجتبی و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق عليهم السلام چون خواستی زیارت کنی این بزرگواران را باید به عمل آوری آنچه در اداب زیارت ذکر شد از غسل و طهارت و پوشیدن جامه ی پاک و پاکیزه و استعمال بوی خوش و رخصت طلبیدن در دخول و نحو اینها و بگو نیز:

یا موالی یا ابناء رسول الله، عبدکم و ابن امتکم، الذلیل بین ایديکم و المضعف فیعلو قدر کم و المعترف بحقکم، جاء کم مستجیرا بکم، قاصدا الی حرمکم، متقربا الی مقامکم، متوسلا الی الله تعالی بکم، أَدْخِلْ یا موالی، أَدْخِلْ یا اولیاء الله، أَدْخِلْ یا ملائکة الله المحققین بهذا الحرم، المقیمین بهذا المشهد " و



بعد از خضوع و خشوع و رقت داخل شو و پای راست را مقدم دار و بگو الله أكبر كبيراً و الحمد لله كثيراً و سبحان الله بكرة وأصيلاً و الحمد لله الفرد الصمد الماجد الأحد المتفضل المنان المتطول الحنان الذى من بطوله وسهل زياره ساداتى يا حسانه ولم يجعلنى عن زيارتهم ممنوعاً بل تطول ومنح. پس نزدیک قبور مقدسه ایشان برو و پشت به قبله و رو به قبر ایشان کن و بگو:

السلام عليكم أئمة الهدى السلام عليكم أهل التقوى السلام عليكم أيها الحجج على أهل الدنيا السلام عليكم أيها القوام فى البريه بالقسط السلام عليكم أهل الصفوه السلام عليكم آل رسول الله السلام عليكم أهل النجوى أشهد أنكم قد بلغتكم ونصحتكم وصبرتم فى ذات الله وكُذِّبتم وأسىء إليكم فغفرتكم وأشهد أنكم الأئمة الراشدون المهتدون وأن طاعتكم مفروضه وأن قولكم الصدق وأنكم دعوتكم فلم تُجابوا وأمرتم فلم تُطاعوا وأنكم دعائم الدين وأركان الأرض لم تزالوا بعين الله ينسخكم من أصلاب كل مطهرٍ وينقلكم من أرحام المطهرات لم تندسكم الجاهليه الجهلاء ولم تشرك فيكم فتن الأهواء طبتم و طاب منبتكم من بكم علينا ديان الدين فجعلكم فى بيوتِ أذن الله أن ترفع ويذكر فيها اسمه وجعل صلاتنا عليكم رحمهً لنا وكفارةً لذنوبنا إذ اختاركم الله لنا وطيب خلقنا بما منّ علينا من ولايتكم وكنا عنده مسّمين بعلمكم معترفين بتصديقنا إياكم وهذا مقام من أسرف وأخطأ واستكان وأقرّ بما جنى ورجا بمقامه الخلاص وأن يستنقذه بكم مستنقذ الهلكى من الردى فكونوا لى شفعاء فقد وفدت إليكم إذ رغب عنكم أهل الدنيا واتخذوا آيات الله هزواً واستكبروا عنها يا من هو قائم لا يسهو ودائم لا يلهو

ومحیطٌ بكل شیءٍ لك المن بما وفقتنی وعرّفتنی بما أقمتنی علیه إذ صد عنه عبادك و جهلوا معرفته واستخفوا بحقه و مالوا إلی سواه فكانت المِنَّه منك علی مع أقوامٍ خصصتهم بما خصصتني به فلك الحمد إذ كنت عندك فی مقاهي هذا مذكوراً مكتوباً فلا تحرمني ما رجوت ولا تخيني فيما دعوت بحرمه محمد و آله الطاهرين و صلی الله علی محمد و آل محمد).

پس دعا کن از برای خود به هر چه خواهی و بعد از آن هشت رکعت نماز زیارت بکن یعنی از برای هر امامی دو رکعت.

### استفتائات (سوال و جواب)

سؤال: در خصوص مشرف شدن به مکه معظمه فی هذه السنه برای کسانی که در سنوات ماضیه مستطیع بوده اند و خصوص کسانی که اول استطاعت آن باشد بعد از استماع اخبارات که به سمع مبارک رسیده تجویز می فرمائید یا نه.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم باید ملاحظه حال خودش بنماید اگر ما بین خودش و خدای خود اطمینان به امتیّت طریق و عدم مانع از برای او حاصل است باید برود و الله العالم.

سؤال: اجیر از برای حجّ در صورت اطلاق اجازه و پس از احضار و حدوث مانع منفسخ می شود عقد یا نه.

جواب: ولو عقد مطلق باشد بر حسب متعارف منصرف به همان سال است که در صورت حدوث مانع منفسخ می شود والله العالم.

سؤال: هر گاه شخص قبل از میقات به صیغه نذر محرم شد ورود بجدّه اسباب حرکت به مدینه طیبه فراهم آمد آیا می توان محلّ شود و حرکت به مدینه کند و بعد از آن از میقات دیگر محرم شده وارد مکه شود یا خیر.

جواب: به انصراف نیت از ابقاء احرام محلّ نمی شود و

از احرام خارج نخواهد شد و با بودن احرام شرعاً لازم نیست تجدید احرام (۷۳).

سؤال: هر گاه بخیال اینکه برود مدینه محلّ شود بعد از محلّ شدن نتوانست مدینه برود یا از راه مدینه به واسطه منع برگشت آمد جدّه می توان از جدّه محرم شود یا خیر و به این واسطه اخلاالی در حجّ او وارد میاید یا خیر.

جواب: در فرض مزبور احرام اوّلی باقیست و هر گاه شرعاً پیش او ثابتست محاذی بودن جدّه با میقات گاه تجدید نیت رجاء خوبست و اخلاالی در عملش نیست و هر گاه محرمات احرام را جهلاً مرتکب شده باشد و کذلک سهواً و نسیاناً در غیر صید کفّاره هم ندارد.

سؤال: آیا اجازه می فرمائید محرم شدن از جدّه را یا خیر در صورت صحّت احرام از جدّه آیا از جدّه هم باید تجدید شود یا خیر.

جواب: محاذات جدّه را با میقات اگر می داند احرام از محاذات جایز (۷۴) است تجدید نیت در جدّه با احتمال محاذات رجاء ضرر ندارد.

سؤال: هر گاه شخص در عمره تمتّع تقصیر کرد یعنی سر پوشیده باید گوسفندی را که برای تقصیر معین شده در مکه کشته شود یا در منی چنانچه به خیال اینکه در مکه یا در منی اگر گوسفند مذکور را ذبح کند گوشتش فاسد می شود یا از بین می رود ذبح نکرد می تواند در بلد خود یا در جای دیگر ذبح کرد یا خیر.

جواب: ذبح گوسفند تقصیر در عمره تمتّع در مکه احوط است و در منی هم جایز است و اگر ذبح نکرد در این دو مکان در ولایت خودش یا جایی دیگر رجاء انشاء الله ضرر ندارد.

سؤال: هر گاه به واسطه

گرمی هوا سر خود را پوشید بعد باز کرد بعد پوشید تا زمان محلّ همان پوشیدن اوّل تقصیر است و برای تجدید تقصیری نیست یا آنکه هر پوشیدن تقصیری است.

جواب: با تکرر سر پوشیدن برای شخص مختار احتیاط لازم تکرر کفّاره است.

سؤال: هر گاه شخص در غراب به واسطه آنکه محلّ وضویش نجس است تیمّم کرد و مدّتی نماز خواند آیا اعاده لازم دارد یا خیر و حکم این تیمّم حکم تیمّم بدل از غسل است یا خیر.

جواب: در صورت مفروضه تیمّمش صحیح است قضاء نماز لازم نیست و اگر تیمّمش بدل از غسل باشد بعد از نقض او به حدث اصغر یک تیمّم عما فی الذمه برای نمازش کافی (۷۵) است مادامی که عذر اولی باشد و الله العالم حرّره الاحقر عبدالکریم الحایری.

سؤال: در غراب شخص نجس شد چند روز باید غذا بخورد آیا به قدر قوت لایموت باید بخورد یا زیادتر هم ممکنست و هر گاه خوف دارد اگر به قدر قوت لایموت بخورد باعث مرض و ناخوشی می شود در این صورت زیاده از قوت لایموت ممکن است خورد یا خیر مستدعیست جواب را مرقوم فرمائید.

جواب: بسم الله الرحمن الرحیم در صورتی که حفظ نفس او از تلف یا حدوث مرض توقّف داشته باشد به اکل و شرب مزبور عیب ندارد.

سؤال: در خصوص شخصی که محرماً با حرام عمره تمتّع وارد جدّه شد و در جدّه بواسطه بودن اتومبیل احرام را برهم زده و رفت به مدینه منوره که در مراجعت از مسجد شجره محرم شود آیا در این صورت همچو شخص مقصّر است یا نه افتوناً ماجورین انشاء الله تعالی.

جواب: بسم الله

و لله الحمد چنین شخص احوط (۷۶) اینست که ملاحظه حال محرم بودن خود را نموده یعنی محرمات حال احرام را ترک کند و چنانچه مخالفتی شد کفاره آن را ملاحظه نماید و بعد از عود از مدینه منوره باز در وقت رسیدن به میقات تجدید نماید احرام را رجاء (۷۷) والله العالم.

سؤال: در خصوص شخصی که وارد شد از طرف مدینه منوره محاذی مسجد شجره آیا واجبست که برود داخل مسجد و نیت بکند و احرام ببندد یا اینکه از همان محاذی مسجد می تواند نیت کند و احرام ببندد افتونا ماجورین انشاءالله.

جواب: بسم الله و لله الحمد اولی آنست که داخل مسجد شجره شود از آنجا محرم شود و از پشت مسجد هم می توان و لکن کسی که چندین فرسخ از مسجد دور باشد می توان از محاذی مسجد محرم شود والله العالم.

سؤال: در خصوص شخصی که در حدود عرفات و قبل از وقوف شرعی که از اذان ظهر بوده باشد وفات کرد وقوف عرفات و بقیه اعمال را واجبست که به جهت متوفی نایب بگیرند یا اینکه شخص متوفی بریء الذمه شده است افتونا ماجورین انشاءالله تعالی.

جواب: بسم الله و لله الحمد ظاهراً اگر محرم شده باشد (۷۸) و فوت نمود کافی باشد و نایب لازم نباشد و الله العالم.

سؤال: در خصوص شخص محرم سوار اتومبیل سر پوشیده شده و در بین راه هم مکرر سواره و پیاده می شود و سقف اتومبیل را هم ممکن نیست بر دارند مجبور است سوار شود در این صورت تکلیفش چیست افتونا ماجورین.

جواب: بسم الله و لله الحمد بعضی از اقسامش ممکن می شود که سر او را

بخوابانند یا پارچه سر او را بر دارند در هر صورت کفّاره استظلال یک گوسفند است و احوط از برای هر روزی یک کفّاره بدهد بلی اگر دو احرام تظلیل نماید دو کفّاره لازم است والله العالم.

سؤال: در خصوص شخص حجّ فروش که هر سال مترّد است به احرام و عمره تمتّع در اوّل ماه ذی الحجّ وارد مکه معظمه گردید پس از اعمال عمره تمتّع که فارغ گردید و تقصیر کرد کاری برای او پیدا شد در جدّه می تواند برود به جدّه از حدود حرم خارج بشود یا خیر تفصیلاً بیان فرمائید.

جواب: نظر به بعضی از اخبار مشهور علما جایز نمی دانند لهذا ترك احتیاط نشود خصوصاً اگر در موقع صیغه اجاره نیابت هم چه قید خروجی را نکرده باشد.

سؤال: در خصوص شخص حاجی که از طریق بیروت یا سویس در مرکب سوار شود از برای جدّه و این راه به قول قبطیان مرکب می گویند محاذی می شود با جحفه که میقاتگاه اهل شام است از طریق برّ آیا می تواند از اینجا تجاوز کند و برود در جدّه محرم بشود یا خیر افتونا مارجورین انشاء الله.

جواب: بسم الله و لله الحمد محل (۷۹) اشکالست و چنانچه بواسطه نذر بر خود واجب نماید که قدری قبل از رسیدن به آن محل که قبطیان معین می نماید محرم شود و به آن محل که رسید و همچنین به جدّه که رسید لباس احرام را برداشته (۸۰) مجدداً ببندد و تجدید یت نموده و تلبیه را بگوید احوط است و الله العالم.

سؤال: در خصوص شخصی که به احرام عمره تمتّع در اشهر حرم وارد مکه معظمه شد پس از اتمام

اعمال عمره قصد کرد برود به مدینه منوره و در مراجعت از مسجد شجره مجدداً احرام ببندد می تواند یا نه تفصیلاً مرقوم بفرمائید اجرکم علی الله تعالی.

جواب: احوط اینست که تا از حج فارغ نشده از مکه معظمه خارج نشود مگر آنکه بعد از احلال از عمره تمتع محرم شود در مکه به احرام حج و بیرون رود و مراجعت نماید با همان احرام و باقی اعمال را به جای آورد و چنانچه بدون احرام بیرون رفت اگر مراجعتش در همان ماه بشود عمره اولی کافست و اگر در غیر آن ماه باشد تجدید نماید در میقات عمره تمتع را رجاء و بعد از ورود بمکه معظمه باقی اعمال عمره را به جای آورد و محلّ شود و بعد از آن محرم شود به احرام حج و چون در ماه هم اختلافی هست که مراد چیست احوط اینست که ملاحظه شود اتحاد شهر هلالی شروع در عمره تمتع و عود به مکه که قدر متیقن از کفایت عمره اولی جانی می شود که بیرون رود از مکه و عود نماید در همان ماهی که محرم شده است به عمره تمتع و چون حج امر مهمّیست خوبست این احتیاط ملحوظ گردد و الله العالم.

سؤال: کشتن ملخ را در احرام موجب چه می شود از کفّاره.

جواب: کفّاره او عبارت است از یک کف طعام یا یک دانه خرما بر وجه تخییر و احوط جمع است میانه آنها.

سؤال: اگر ملخ را بکشد و بخورد چه باید بدهد.

جواب: یک قربانی بر او لازم می شود بنا بر احوط بلکه اقوی و احوط آن است که گوسفند قربانی کند و احوط آنست که

یک خرما و یک کف از طعام بر آن ضمّ کند.

سؤال: اگر ملخ بسیار باشد پس همه آنها را بکشد چه لازم می شود بر او.

جواب: لازمست بر او یک گوسفند قربانی کردن بلکه احوط مراعات آنست به مجرّد زیاد شدن از یک ملخ و ضم نمودن یک کف از طعام و یک دانه از خرما به سوی آن احوط است.

سؤال: اگر از جهت وفور ملخ در اثنای راه نتواند خود را حفظ نماید از کشتن چه باید بکند.

جواب: در این هنگام بر او چیزی نیست.

سؤال: فدائی که باید داده شود از حیوان یا طعام یا قیمت در چه باید صرف شود.

جواب: واجب است صرف در راه خدا خواه صید مملوک باشد یا غیر مملوک بلی در صورت اولی باید که قیمت آن را نیز به مالک بدهد پس فداء اگر حیوان نباشد تصدّق می نماید و اگر حیوان باشد باید اوّل آن را ذبح کند به نیت کفّاره بعد از آن تصدّق کند بر فقیر و واجب نیست تعدّد در فقیر مگر در جائی که بر وجه مخصوص در شرع رسیده باشد مثل اطعام شصت مسکین در محلّ آن و مخیر است در فداء کبوتر حرم میان تصدّق کردن به آن و دانه خریدن از برای کبوتر آن حرم و دوّم افضل است از عموم زایرین بیت الله.

تمّت الرساله بعون الله تعالی التماس مخصوص دارم سید یحیی.

### پی نوشت

(۱) و آن در صورتیست که در احرام از بوی خوش و زن اجتناب نکرده باشد ح طباطبائی.

(۲) یا استعمال طیب کند ح طباطبائی.

(۳) اولی آنست که اقتصار کند در اکتفا به غسل اوّ



ل روز برای روز و به غسل اوّل شب برای شب ح طبا مدّ ظلّه.

(۴) در غیر نوم از احداث دیگر اعاده کند به رجاء مطلوبیت ح طبا مدّ ظلّه

(۵) تلبیّات مستحبّه از لبیک ذالمعارج است تا آخر و امّیا ما قبل آن پس واجب است و به آن احرام منعقد می شود و احوط گفتن یک لبیک دیگر است بعد از لا شریک لک قبل از لبیک ذالمعارج ح طبا مدّ ظلّه.

(۶) معلوم نیست بلی بر رجاء استحباب ضرر ندارد ح طبا مدّ ظلّه

(۷) گفتن بحجّه او عمره بنحو تردید مشکل است پس این فقره را ترک کند یا آنکه در احرام عمره بگوید لبیک بعمره لبیک و در احرام حجّ بگوید لبیک بحجّه لبیک ح طبا مدّ ظلّه

(۸) قوه معلوم نیست. ح طباطبا مدّ ظلّه

(۹) این احتیاط در جائیست که در طریق او محاذات دو میقات باشد مثل اینکه از یمین یا یسار طریق اهل مدینه رود محاذات مسجد شجره و جحفه گذرد و اقوی در این فرض احرام از محاذی مسجد شجره است و امّیا طرقی که محاذات یک میقات بیش در آنها نیست پس متعین در آنها بستن او محاذی همان میقات است ح طبا مدّ ظلّه.

(۱۰) اگر حاصل شود از قول کسانی که معرفت دارند به آن اماکن چنانچه گذشت ح طبا مدّ ظلّه.

(۱۱) فرق نیست در احتیاط مذکور بین دخول حرم و عدم دخول آن بلکه مورد نصّ صحیح دخول حرم است ح طبا مدّ ظلّه

(۱۲) محلّ تأمل است بلی اگر بعد از اتمام اعمال حج متذکر شود عملش صحیح است بلا اشکال ح

طبا مدّ ظلّه

(۱۳) جاهل مثل ناسیست ح طبا مدّ ظلّه.

(۱۴) لکن اولی ترک آن است ح طبا مد ظلّه

(۱۵) حکم جماع در عمره تمتّع پیش از سعی محلّ تأمل است ح طبا مدّ ظلّه.

(۱۶) احوط تعین شتر است مطلقاً ح طبا مدّ ظلّه.

(۱۷) اگر به شهوت نگاه کرده باشد والا مشهور عدم لزوم کفاره است و آن قویست ح طبا مد ظلّه.

(۱۸) بنا بر احتیاط ح طبا مد ظلّه.

(۱۹) بنا بر مشهور ح طبا مدّ ظلّه.

(۲۰) بنا بر احتیاط ح طبا دام عمره

(۲۱) یعنی جدال دروغ ح طبا مد ظلّه

(۲۲) بنا بر احتیاط ح طبا مد ظلّه

(۲۳) خصوصاً در صورتی که بدون ضرورت باشد بلکه تعین آن در این فرض خالی از قوه نیست ح طبا

(۲۴) یا بیشتر ح طبا مدّ ظلّه

(۲۵) علی الاحوط ح طبا مد ظلّه

(۲۶) قوه معلوم نیست ح طبا مد ظلّه

(۲۷) احوط عدم استظلال است به مثل طرف جامه و چتر و نحو آنها اگر چه بالای سر نباشد ح طبا مد ظلّه

(۲۸) در تظلیل به مثل چتر که با او حرکت کند و اما راه رفتن در زیر طاق و شبه آن در حال نزول قطعاً ضرر ندارد ح طبا مد ظلّه.

(۲۹) لکن بعید نیست کفایت یک گوسفند برای احرام حجّ و یکی برای احرام عمره اگر در هر دو تظلیل کرده باشد ح طبا مد ظلّه.

(۳۰) بنا بر احتیاط ح طبا مدّ ظلّه

(۳۱) بعد از آنکه منزل او شده باشد نه قبل از آن ح طبا مدّ ظلّه

(۳۲) بنا

بر احتیاط ح طبا مدّ ظلّه.

(۳۳) اگر شوط چهارم را تمام کرده باشد و الاّ احوط استیناف است بعد از اتمام ح طبا مدّ ظلّه

(۳۴) با تضییق وقت طواف علی الاحوط ح طبا مد ظلّه.

(۳۵) ترک نشود ح طبا مد ظلّه.

(۳۶) و اتیان به نماز طواف ح طبا مد ظلّه.

(۳۷) اقوی بودن محلّ تأمل است ح طبا مد ظلّه.

(۳۸) به نحوی که در نماز معتبر است ح طبا مدّ ظلّه.

(۳۹) عمدا خواه عالم باشد به حکم یا جاهل ح طبا مد ظلّه.

(۴۰) در صورت تجدّد قصد بعد از اتمام هفت شوط اشکالی ندارد زیرا که محرّم در این صورت طواف دویم است و موجب بطلان اوّل نمی شود ح طبا مدّ ظلّه

(۴۱) بلکه احوط است نیز و در این صورت چهار رکعت نماز طواف کند و رکعت قبل از سعی برای طواف فریضه و دو رکعت بعد از سعی برای نافله بدون تعیین ح طبا مدّ ظلّه.

(۴۲) یا احتمال دهد نقص و زیاده را ح طبا مدّ ظلّه.

(۴۳) یعنی در طواف فریضه ح طبا

(۴۴) لکن جاهل در اینجا در حکم ساهیست نه عامد ح طبا مد ظلّه

(۴۵) اولی و احوط در اینجا با احتمال نقیصه اعاده است اگر چه بعد از انصراف باشد ح طبا مد ظلّه.

(۴۶) یا قدری از ریش یا قدری از موی سر یا ابرو ح طبا مدّ ظلّه

(۴۷) اگر احرام نبستن او در میقات از جهت عذری بوده مثل مرض و نسیان و جهل و عود به میقات یا خارج حرم هم به نحوی که سابق ذکر شد

ممکن نباشد او را و الا احرام بستن او در مکه محل اشکال است ح طبا مد ظلّه.

(۴۸) لکن تبدیل کند کلماتی را که به عمره اختصاص دارند بالفاظ دیگر مثلاً بدل کند و هذه عمره متعه الی الحجّ را به اینکه بگویند و هذه حجّه تمتّع ح طبا مد ظلّه.

(۴۹) اگر چه وقوف او صحیح است و کفّاره هم ندارد ح طبا دام عمره

(۵۰) وجوب بودن نحر در مکه معلوم نیست. ح طبا مدّ ظلّه.

(۵۱) از حیث معصیت لکن وجوب کفّاره محل تأملست اگر چه احوط است ح طبا مد ظلّه.

(۵۲) یعنی در هیچ جزء از آن وقت وقوف نکند ح طبا مدّ ظلّه.

(۵۳) یا بعد از زوال پیش از غروب آفتاب بر فرض عدم تیسّر اول ح طبا

(۵۴) اقوی بودن محلّ تامل است بلکه با عدم علم به مخالفت با واقع اجزاء خالی از قوه نیست ح طبا

(۵۵) یا کوچ کردن در وقتی که پیش از طلوع آفتاب از وادی محسر تجاوز نکند ح طبا مدّ ظلّه.

(۵۶) بنا بر احتیاط ح طبا مدّ ظلّه.

(۵۷) اقوی عدم وجوب است ح طبا مدّ ظلّه.

(۵۸) یعنی مسمای از آن ح طبا مد ظلّه.

(۵۹) بلکه این قول مختار مشهور است ح طبا مد ظلّه

(۶۰) بلکه به اعتبار آنکه اضطراری مشعر دو قسم است. لیلی و نهاری به دوازده قسم منقسم می شود ح طبا مدّ ظلّه.

(۶۱) اگر فوت موقوفین از جهت تنگی وقت بوده بدون تقصیری از او و الاّ- واجب است حجّ بر او در سال آینده مط ح طبا مدّ ظلّه

(۶۲)

محتاج به تأمل است ح طبا مد ظلّه.

---- (۶۳)

(۶۴) ترک نشود ح طبا مد ظلّه.

(۶۵) با بین معنی که سن از کمتر آن این نباشد ح طبا مد ظلّه.

(۶۶) ترک نشود ح طبا مد ظلّه.

(۶۷) ترک نشود نسبت به حیوان بی شاخ و بی دم و بی گوش و مرجو و مرضوض ح طبا مد ظلّه.

(۶۸) بلی بعید نیست اجزاء در صورتی که جاهل به حکم باشد ح طبا مد ظلّه.

(۶۹) احوط در صورت تمکن از هدی ناقص جمع است بین آن و روزه خصوص در مثل خصی ح طبا مد ظلّه.

(۷۰) بلکه متعین است در حق آنها تقصیر ح طبا مد ظلّه.

(۷۱) اگر طواف را قبل از حلق به جا آورده باشد بلکه لازم است اعاده سعی نیز اگر آن را هم به جا آورده باشد و فرق نیست در لزوم اعاده بین مراجعت به معنی و عدم مراجعت به آن ح طبا مد ظلّه.

(۷۲) ترک نشود در صورتی که عمداً مخالفت ترتیب نموده باشد ح طبا مد ظلّه.

(۷۳) بلکه مشروع هم نیست بلی اگر احتمال دهد بطلان اوّل را تجدید آن به قصد احتیاط ضرری ندارد. ح طبا مد ظلّه.

(۷۴) اشخاصی که از شمال بحر احمر به سمت جدّه می روند مثل اهل شام احرام گاه آنها محاذات جحفه است که تا مگّه سه منزلست و محاذات جحفه برای آنها در دریا حاصل می شود نه در جدّه و نه در حده بلا اشکال و اما کسانی که از جنوبی دریای احمر بجده می روند پس احرام گاه آنها محاذی یلملم است و اظهر آنست که آن

هم در دریا می شود نه در جده یا حده بلی اگر کسی از مغرب دریا از حبشه و نوبه مثلاً مستقیماً به جده بیاید بعید نیست که محلّ احرام او نیز محاذات یلملم باشد و محاذات از برای او در جده یا ما بین جده و حده حاصل می شود لکن سلوک این طریق معمول نیست و رعایت احتیاط به نذر و ادامه نیت احرام و تکرار تلبیّات واجبه دو اماکن محتمله خوب است ح طبا مدّ ظلّه

(۷۵) اگر تیمّم بدل از غسل جنابت بوده و اما اگر بدل از اغسال واجبه دیگر بوده دو تیمم کند بعد از حدث اصغر یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو احتیاطاً ح طبا.

(۷۶) بلکه اقوی چنانکه گذشت چرا که محرم به نیت احلال محلّ نمی شود ح طبا مد ظلّه.

(۷۷) اگر احتمال بطلان دهد در احرام اوّل از غیر جهت به هم زدن خود آن را ح طبا مد ظلّه.

(۷۸) و اگر متمتع باشد همان احرام برای عمره تمتع و دخول حرم برای اعمال آن کافیهست در صحت حج او و احتیاج به احرام حج نیست چنانچه مترای از عبارت متن است ح طبا مد ظلّه

(۷۹) بلکه اقوی عدم جواز است چنانچه گذشت ح طبا دام ظلّه

(۸۰) در رعایت احتیاط برداشتن لباس احرام و تجدید بستن آن ضرور نیست زیرا که آن از مقدمات احرام است و در عقد احرام همان نیت و تلبیّات واجبه کافیهست ح طبا مد ظلّه

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

